

چهارشنبه آینده به استانبول مراجعت می‌کنم. از آقای خلیل‌بیک سؤال کردم که مضمون اخطاریه آلمانها چه خواهد بود. گفت اصل مضمون نگارش این دو ماده را نمی‌دانم، ولی قول داده‌اند که عین آنها [را] بدون تغییر اساسی اخطار کنند.

تقاضا از نواب

مجدداً از آقای نواب با تلفن مذاکره و خواهش کردم که اگر مانعی در میان نیست معاون وزارت خارجه آلمان را ملاقات نموده بلکه صحبت از این اخطاریه به میان آورده در صدور آن تسریع نمایند. امروز نامه‌ای به آقای مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در پترزبورگ نوشته، نامه‌ای هم که به تهران نوشته‌ام در جوف آن فرستادم که به تهران بفرستند. به تهران هم سفارش شده که اگر نامه برای اینجانب باشد به توسط سفارت پترزبورگ بفرستند. نهار را امروز با آقای نوری [اسفندیاری] صرف [کردم] و عصر را هم مدتی با ایشان بودم.

آمدن طباطبایی به برلن

یکشنبه ۱۵ اکتبر - قبل از ظهر صرف نوشتن و خواندن کرده، نامه‌ای به آقای احتشام السلطنه نوشته و از ایشان خواهش کردم که به آقای طباطبایی تأکید کنند به برلن بیایند. پیش از ظهر آقای نوری اسفندیاری به دیدن اینجانب آمد. با ایشان بیرون رفته نهار را با هم صرف کردیم. روزهای یکشنبه جمعیت و ازدحام زیادی در خیابانها و قهوه‌خانه‌ها و رستورانها دیده می‌شود، ولی روزهای دیگر چندان خبری نیست. امروز باران می‌آید ولی هوا گرم و مطبوع است و هنوز سرد نشده. در فرونت‌ها جنگ با شدت ادامه دارد بخصوص در طرف سُم جنگ سختی در جریان است.

اخطاریه بی‌فایده

دوشنبه ۱۶ اکتبر - قبل از ظهر آقای نواب تلفن کرد که سوادنامه وزارت خارجه قبلاً به سفارت آمده و نامه‌ای هم که به اینجانب نوشته‌اند به سفارت برده‌اند. نزدیک ظهر به سفارت رفته از مضمون اخطاریه آلمانها مطلع شدم. این اخطار مانند اخطارهای سابق آلمانها مقید و بی‌فایده است: زیمرن در جواب نامه نهم اکتبر اینجانب می‌گوید که اخطار را با جناب وزیر امور خارجه عثمانی بدین مضمون تدوین نموده که دولت آلمان سعی خود را در کنفرانس صلح برای تضمین استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران مبذول خواهد نمود، به شرط آنکه دولت و شاه ایران بی‌طرف ولی متمایل به طرف آلمان و متحدین مانده و یا علیه دشمن آنها اعلان جنگ نمایند.^۱ بدیهی است چنین اخطاریه‌ای موافق با انتظار اینجانب نبود و منظور ما را تأمین نمی‌نماید. فوراً به فن‌ویزندونگ تلفن کرده عدم رضایت خودم را از وصول این اخطاریه اظهار [کردم] و گفتم نامه‌ای نیز به معاون وزارت خارجه آلمان در این خصوص خواهم نوشت. مدتی با آقای نواب در این خصوص به مذاکره پرداخته قرار شد مجدداً یک نامه به معاون وزارت خارجه نوشته تأکید در قبول درخواستهای خودمان بنمایم اگرچه فایده نداشته باشد. تا ساعت هفت در سفارت بودم. پس از آن با آقای نوری از سفارت بیرون آمده شام را با ایشان صرف [کردم] و در حدود ساعت دوازده به منزل برگشتم.

نامه به وزیر خارجه آلمان

سه‌شنبه ۱۷ اکتبر - پیش از ظهر به سفارت ایران رفته نامه‌ای با جلب نظریات آقای نواب بدین طریق برای زیمرن تهیه نمودم:

۱. برای آگاهی از متن اصلی و ترجمه فارسی این نامه بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۸.

نامه مورخ سیزدهم اکتبر جنابعالی را که حاوی اخطار رسمی از جانب دولت علیه آلمان راجع به منافع ایران در محفل صلح بود دریافت کرده مجدداً توجه جنابعالی را به مراتبی که در ضمن ملاقات روز بیست و ششم ماه گذشته و در نامه نهم این ماه خاطر نشان نموده و من جمله مقصود این است که سیاست دولت علیه آلمان با ما نسبت به حفظ منافع ایران در انجمن صلح و روابط امروزه آن با حکومت موقتی کرمانشاه معین و مشخص گردد معطوف می‌نمایم. جای افسوس است که جناب وزیر امور خارجه عثمانی هم در انشای این اخطاریه شرکت داشته در صورتی که به طور وضوح در طی ملاقاتها با ایشان مفهوم بود که ایشان یک اخطار بی‌شرطی را از طرف دولت علیه آلمان^۱ تأیید می‌نمایند. حالا هم امیدوارم دولت جنابعالی در یک اخطاریه جدید روش خود را بر طبق مراتب نامبرده مقرر و اینجانب را متشکر خواهند داشت.

سپس به منزل آمده نامه زیمرن را پاکنویس کرده، رونوشتی از آن را برای آقای نواب برداشته فرستادم.

مهاجرین

چهارشنبه ۱۸ اکتبر - پیش از ظهر آقای نوری بدینجا آمده تا عصر با هم بودیم. چند نفر از آقایان مهاجرین را هم ملاقات نمودم. متأسفانه جز شکایت و عدم رضایت از وضعیت خودشان چیز تازه دیگری ندارند که بگویند. اینجانب هم با وضع نامساعد فعلی خبر خوشی نداشتم که برای تسکین آلام آنها بدهم. اوضاع جنگ هم چندان روشن نیست. از قرار معلوم در فرونت سُم طرفین می‌کوشند که جبهه طرف را شکسته و پیشروی نمایند. در طرف شرق هم خبر تازه‌ای نیست.

۱. اصل: ایران دولی...

با ایرانیان

پنج‌شنبه ۱۹ اکتبر - پیش از ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن بودم. ساعت یک بعدازظهر به یکی از رستورانهای نزدیک اینجا رفته جمعی از ایرانیان من جمله میرزا محمدخان قزوینی و هدایت را در آنجا ملاقات کردم. این رستوران کوچکی است که همیشه غذاهایش ماکول و جایش بسیار تمیز است. گویا هدایت پسر مرحوم صنیع‌الدوله قبلاً آن را شناخته و به دیگران معرفی کرده است. تا ساعت شش بعدازظهر با این آقایان بودم. شب را با آقایان [ابوالحسن] علوی و حیدرخان عمو اوغلی برحسب دعوت قبلی شام خورده، ساعت دوازده به منزل مراجعت کردم. از قرار خبری که از کرمانشاه رسیده عثمانیها پیشرفت جدیدی در ایران کرده و تلفاتی به روسها وارد آورده‌اند.

دیدن از نواب

جمعه ۲۰ اکتبر و شنبه ۲۱ اکتبر - جمعه را در منزل گذرانده به خارج نرفتم. هوا هم چندان مساعد نبود. خبر تازه‌ای هم از هیچ جا نرسید. روز شنبه پیش از ظهر را در منزل مانده مشغول نوشتن و خواندن بودم. کمی بعد از ظهر از منزل بیرون رفته پس از صرف ناهار به دیدن آقای نواب رفتم، پاکتی از تهران برای ایشان رسیده بود. وزیر امور خارجه سواد بعضی از نوشته‌جات را که میان سفرای روس و انگلیس و دولت ایران ردوبدل شده برای سفارت برلن فرستاده‌اند.

طرح فرمانفرما

از قرار معلوم قراردادی را که روسها و انگلیسها می‌خواستند با آقای مستوفی‌الممالک منعقد نمایند و سوادش را آقای مستوفی‌الممالک قبل از استعفا برای ما از تهران به توسط آقایان ارباب کیخسرو و میرزا

قاسم خان [و] عدل الملک فرستاده بود، با بعضی تغییرات فرمانفرما می خواسته با دولتین روس و انگلیس مبادله کند و طرح اتحادی بریزد، دولتین قبول نکردند.

قبول سپهدار

پس از استعفای فرمانفرما، سپهدار با آنها داخل مذاکره شد. از دولت ایران تشکیل کمیسیون مختلط مالیه و ژاندارمری جنوب و شمال را خواستگار [می شوند] و فشار آورده اند که انجام شود. سپهدار در هشتم ماه اوت گذشته بدون مشورت با اعضای کابینه و بدون اطلاع اعلیحضرت سلطان احمدشاه پیشنهاد دولتین را قبول کرده است. پس از نزدیک شدن قشون عثمانی سپهدار استعفا داده و وثوق الدوله تشکیل کابینه داده است و حالا از قرار معلوم آقای وثوق الدوله کوشش دارد خرابی این کار را ترمیم نماید.

تلگراف به نظام السلطنه

امروز این تلگراف را به آقای نظام السلطنه به کرمانشاه مخابره نمودم:

تلگرافات واصل. یک ماه و نیم است که در برلن می باشم و آقای طباطبایی در استانبول. با هم ارتباط کتبی و تلگرافی داریم. برای تضمین صریح و بی شرط استقلال ایران و شناساندن حکومت موقتی کرمانشاه و سایر مسائل مجاهدت نموده متأسفانه آلمانیها حاضر نشده اند و دفع الوقت می کنند. اختطاریه اخیر آنها هم که به اینجانب خطاب شده رضایت بخش نیست. مقتضی است در آنجا هر قدر می توانید فشار بیاورید. آقای طباطبایی و اینجانب هم به وظیفه خودمان عمل کرده، بلکه کاری از پیش برود. آلمانیها می گویند مهمات را به کرمانشاه هرچه زودتر می رسانیم.

همراهی نواب

امروز دو دفعه به وزارت خارجه تلفن کرده بلکه با فن ویزندونگ تلفنی تماس بگیرم در اداره نبود و نشد با او صحبت کنم. آقای نواب را هم ملاقات [کردم] و رونوشت تلگراف کرمانشاه را برای ایشان خواندم. آقای نواب علی الظاهر با اینجانب همه نوع همراهی دارند.

خانه خدا

یکشنبه ۲۲ اکتبر - امروز صاحبخانه اینجانب گفت یک کنسرت عالی در یک کلیسای قدیم نزدیک میدان الکساندرا که یکی از میدانهای نامی برلن است می دهند و این کنسرت قابل شنیدن است. به آقای [عباسقلی] نوری تلفن کرده قرار گذاشتیم ساعت نیم بعدازظهر با هم به این کلیسا برویم که در ساعت یک وقت افتتاح کنسرت در آنجا باشیم. وقتی که بدانجا رسیدیم جمعیت زیادی در درب کلیسا جمع شده بودند و در داخل کلیسا خبری نبود. فقط کشیش یک درس مذهبی به عدهای اطفال می داد. بالاخره جمعیت داخل کلیسا شدند. کشیش به آواز بلند می گفت خبری نیست بروید. پس از مدتی معطلی معلوم شد فی الحقیقه در خانه خدا خبری نبود. مثل اینکه خدا از خانه خارج [شده] و خانه را به مخلوق باز گذاشته است. ما هم بدون شنیدن کنسرت از خانه خدا خارج شدیم. ناهار را در یکی از رستورانهای نزدیک با آقای نوری صرف و به منزل مراجعت کردیم. امروز روز تولد یکی از سلاطین باستانی آلمان است. اغلب عمارات را بیرق زده اند. دیروز وزیر داخله اتریش را کشته اند. از قرار معلوم آلمانیها و بلغارها پیشرفت تازه ای در طرف رومانی کرده اند.

طرح مسائل ایران با وزارت خارجه

دوشنبه ۲۳ اکتبر - پیش از ظهر با تلفن قرار گذاشتم ساعت شش بعدازظهر

با فن ویزندونگ ملاقات کرده بعضی مسائل را با هم صحبت کنیم. کمی پیش از این ساعت از منزل بیرون آمده به وزارت خارجه آلمان رفتیم. در ضمن ملاقات با فن ویزندونگ این مسائل را مذاکره کردیم:

اول - اگر ممکن است یک عده افسر و سرباز آلمانی به فرونت ایران فرستاده شود. حکومت موقتی بدین مسئله اهمیت زیاد می دهد. فن ویزندونگ جواب داد به وزارت جنگ پیشنهاد می شود، اگر صلاح دانستند می فرستند. ولی در هر صورت بعضی اشکالات خواهد داشت و شاید افسر و سرباز کافی نداشته باشیم.

دوم - خوب است به موسیو نادولنی دستور داده شود رفتار خودش را نسبت به حکومت موقتی دوستانه تر گرداند و حاضر باشد با حکومت موقتی داخل مذاکرات اساسی که برای ایران اهمیت زیاد دارد بشود. جواب داد روابط موسیو نادولنی با حکومت موقتی بسیار دوستانه است معهدا در تلگراف به او سفارش می شود.

سوم - راجع به بی طرفی دوستانه که در اخطاریه^۱ دولت آلمان ذکر شده دولت آلمان چه نظری دارد؟ آیا دولت امروزی ایران را بی طرف دوستانه می شناسد یا خیر. اگر می شناسد ابهامی در آن موضوع باقی نگذارید. گفت اشکالی ندارد، حکومت امروزی ایران را می توان بی طرف دوست شناخت. قرار شد با زیمرمن در این خصوص مذاکره کرده نتیجه را اطلاع دهد.

چهارم - در خصوص مهمات برای حکومت موقتی. از قرار تلگرافی که از کرمانشاه برای اینجانب آمده گویا به قدر کافی مهمات نمی رسد. اگر مهمات به قدر کافی برسد به زودی خواهند توانست ده هزار نفر تهیه نمایند. در این موضوع هم یادداشت نمود تا با وزارت خارجه مذاکره کند. پنجم - حکومت موقتی در کرمانشاه مایل است یکی از خبرگزاریهای

۱. اصل: اختیاریه

آلمانی اخبار جنگ را به کرمانشاه رسانده و اخبار آنجا را نیز بدینجا مخابره کند، خیلی ممنون می شویم که وزارت خارجه آلمان در این خصوص هم اقدام کند. این موضوع را هم یادداشت کرد که به اقدام برساند.

ششم - راجع به تلگرافات خودم به کرمانشاه گفت اشکالی ندارد، تلگرافات نزد خود او فرستاده [شود] تا بدون معطلی به کرمانشاه مخابره شود. قرب سه ربع ساعت مذاکرات ما طول کشید. از گرفتن یکی از بنادر مهم رومانی خیلی خوشحال بود و می گفت اخبار ایران هم رضایت بخش است. پس از صرف شام در خارج در حدود ساعت یازده به منزل برگشتم.

«این آقا»

سه شنبه ۲۴ اکتبر - امروز صبح یکی از سران ملیون تلفناً به من اطلاع داد که دیروز با فن ویزندونگ ملاقات کرده خوب است وقتی را معین کرده با هم صحبت کنیم. قرار شد ساعت یک بعدازظهر همدیگر را ببینیم. ساعت یک بعدازظهر در یکی از رستورانهای تازه این محل این آقا را ملاقات کرده اظهار داشت دیروز فن ویزندونگ را ملاقات [کرده] و در ضمن صحبت اظهار داشته که موضوع اخطاریه اخیر نه فقط مخالف میل نگارنده بلکه تمام ایرانیها بوده و همه ایرانیها از این موضوع رنجیده خاطر شده اند. پس از مذاکرات راجع به اینکه آیا دولت امروزی ایران بی طرف دوست آلمان است یا خیر؟ قرار شده زیمرمن تذکر داده بلکه اخطاریه اخیر [را] از ابهام فعلی خارج [سازند] و تصریح شود که دولت آلمان دولت امروزی ایران را بی طرف [و] دوست خود می شناسد.

تصمیم سلیمان خان میکده

دیگر کسب اطلاع شد که میرزا سلیمان خان میکده از وسط راه از رفتن به

ایران منصرف شده به برلن مراجعت می‌کند. پس از صرف ناهار با این آقا به منزل مراجعت کردم. امروز آلمانها سه شهر از رومانی گرفته و عده زیادی هم اسرا و غنایم جنگی به دست آورده‌اند. شام را با عده‌ای از وجوه ایرانیان من جمله آقایان میرزا محمدخان قزوینی و پورداد و علوی صرف و ساعت دوازده به منزل مراجعت کردم.

تلگراف حکومت موقتی

چهارشنبه ۲۵ اکتبر - ظهر در یکی از رستورانهای مجاور با چند نفر از ایرانیان مهاجر ناهار را صرف کرده پس از صرف ناهار به سفارت رفتیم. دو تلگراف از حکومت موقتی از کرمانشاه رسیده بود، هر دو به رمز یکی را همانجا استخراج کردم. از قرار معلوم پس از آنکه آلمانها اینجا از جواب درخواستهای نگارنده در اشکال مانده‌اند سعی کرده‌اند کار را به کرمانشاه کشانده از دست اینجانب خلاص شوند. در تلگراف اول اظهار می‌شود که نادولنی در آنجا سؤال کرده آیا وحیدالملک حق انعقاد قرارداد را در برلن دارد. رأی حکومت موقتی این شده که مذاکره در اینجا با اینجانب [باشد] ولی انعقاد هر قراردادی باید در کرمانشاه صورت پذیرد. راجع به تعیین آژانس که اخبار جنگ را به کرمانشاه داده و اخبار آنجا را به برلن مخابره کند بهتر است آژانس وولف برای این کار تعیین شود.

معاهده پیشنهادی

در تلگراف دیگر تقاضا شده است که اینجانب با آقای نواب به فوریت تماس گرفته تقاضا شود دولت آلمان به نماینده‌اش امر بدهد معاهده ذیل را در کرمانشاه با حکومت موقتی منعقد کند:

اول - دول آلمان و اتریش و عثمانی متحداً و منفرداً استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران را تا مدت بیست سال تضمین می‌نمایند.

دوم - دول آلمان و اتریش و عثمانی متعهد می‌شوند که در موقع صلح کلیه معاهدات و قراردادهای موجوده میان دولت ایران و دول روس و انگلیس و فرانسه و امتیازاتی را که دولت ایران بدین دول و ...^۱ آنها داده از درجه اعتبار ساقط [بدانند].

سوم - در مدت این بیست سال اگر دولت ایران معاملات را بخواهد با خارجه صورت بدهد در صورت تساوی شروط، اولویت با دول آلمان و اتریش و عثمانی و اتباع این دول خواهد بود.

چهارم - هیچ‌گونه معاهده و قراردادی که در مدت بیست سال میان ایران و یک دولت خارجی منعقد شود نبایستی بر این قرارداد خساراتی وارد آورد.

پنجم - این قرار داد پس از امضا به موقع عمل گذاشته می‌شود و باید هرچه زودتر به امضا برسد.

ساعت پنج دکتر واسل به سفارت ایران آمد. چند نفر از مهاجرین در آنجا بودند. دکتر واسل می‌گفت دولت آلمان بیش از آنچه که انجام داده مشکل بتواند تعهد کند. محققاً تضمیناتی را که جلوی آزادی خودش را در زمان انعقاد صلح بگیرد نخواهد نمود. ولی باید دانست که منافع آلمان و عثمانی هر دو در این است که ایران مستقل و در حدود خودش پایدار بماند. ساعت شش با دکتر واسل با هم از سفارت بیرون آمده پیش از خداحافظی قرار گذاشتیم روز شنبه آینده در هتل کایزرهف با هم چای صرف و مذاکره نماییم. پس از صرف شام ساعت یازده به منزل برگشتم.

پس گرفتن وردن

پنجشنبه ۲۶ اکتبر - تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن بودم. خبر امروز از میدان جنگ در طرف مغرب چندان

۱. یک کلمه ناخوانا، شاید پارلمانها.

رضایت بخش نیست. دیروز فرانسویان حمله سخت کرده قلعه وردن را که اول سال از دست داده بودند مجدداً پس گرفته، قریب پنج هزار اسیر هم از آلمانها گرفته‌اند. ولی پیشرفت آلمانها در طرف رومانی ادامه دارد.

شام را با آقایان میرزا محمدخان قزوینی و علوی و جمعی دیگر از مهاجرین صرف کرده به منزل مراجعت نمودم. تمام روز باران سخت بارید.

مذاکره در کرمانشاه

جمعه ۲۷ اکتبر - صبح نامه‌ای از وزارت خارجه آلمان از زیمرمن معاون وزارت خارجه دریافت شد. در این نامه که در جواب نامه هفدهم اکتبر اینجانب است می‌گویند چون مذاکرات مسائلی که میان ایران و آلمان مشترک است در کرمانشاه مستقیماً میان حکومت موقتی و نادولنی نماینده آلمان در میان آمده بهتر این خواهد بود صبر کنیم ببینیم نتیجه آن مذاکرات چه می‌شود، رضایت بخش خواهد بود یا خیر؟ مقصود معلوم است. پس از آنکه نگارنده در اینجا سخت گرفته که تضمینات لازم بدهند مخصوصاً تضمین استقلال ایران و به رسمیت شناختن حکومت موقتی، بهترین راه برای آنها این است که مذاکرات را بدین ترتیب به کرمانشاه محول نموده از فشار اینجانب خلاص شوند و جوابی هم که حکومت موقتی راجع به انعقاد قرارداد داده این موضوع را تأیید می‌کند که اینجانب تنها در اینجا حق مذاکره داشته از این حق پا خارج نگذارم.

تلگراف به کرمانشاه

تلگرافی در جواب تلگراف کرمانشاه مخابره کردم. خلاصه‌اش اینکه اینجانب فشار آورده بودم تضمین استقلال ایران و شناختن حکومت

موقتی از طرف دولت آلمان در یک اخطاریه رسمی به عمل آید. معلوم می‌شود برای عقب انداختن اساس کار توسل به آنجا شده، والا صحبت معاهده و عقد قراردادی در اینجا در میان نبود و اینجانب نمی‌خواستم قراردادی در اینجا با دولت آلمان منعقد نمایم.

وضع جنگ

از قرار اخبار روزنامه‌ها در این روزها غرق کشتیها توسط تحت‌البحریهای آلمانی بسیار شدت دارد. در یک هفته متجاوز از صد هزار تن کشتیهای نروژی که با بنادر انگلیس آمد و رفت دارند غرق شده است.

نظر دکتر واسل

شنبه ۲۸ اکتبر - پیش از ظهر با فن ویزندونگ تلفناً صحبت کرده تلگراف اخیر اینجانب را به کرمانشاه مخابره کرده و تلگرافات بعد را هم به محض وصول مخابره خواهد نمود. بعد از ظهر طبق قرارداد قبلی جای را در هتل کایزرهف با دکتر واسل صرف کردم. تا ساعت شش با هم بودیم. مفصل از مسائل مشترک میان ایران و آلمان صحبت کردیم. اصرار دارد که آلمانها نسبت به ایران صمیمی [اند] و پیوسته در صدد حفظ استقلال ایران خواهند بود و نخواهند گذاشت ایران از بین برود. برای آلمان چه فایده دارد که به استقلال ایران لطمه وارد شود. می‌گفت روز چهارشنبه آینده به طرف استانبول حرکت [می‌کند و] در آنجا ریاست کنترل مالیه را در دست خواهد داشت. این اداره را یک نفر فرانسوی مدتی قبل تأسیس کرده و امروزه اهمیتی به سزا دارد و می‌خواهند آن را ترمیم و مستحکم نمایند. چون اداره کنترل است آن هم کنترل مالیه چندان محبوب نیست. امروز صبح فتح السلطنه به طرف ایران حرکت کرد. دیشب که او را ملاقات کردم. می‌گفت اگر میسر شود یکسر به همدان می‌روم.

مأموریت نوری اسفندیاری

یکشنبه ۲۹ اکتبر - صبح زود آقای [عباسقلی] نوری تلفن کرده گفت خبر خوشی دارم خوب است زودتر همدیگر را ببینیم. قرار گذاشتیم قبل از ناهار در تی‌یرگارتن ملاقات و در ضمن گردش مذاکره کنیم. هوا هم اتفاقاً مناسب بود. خبر خوش ایشان این بود که روز قبل از وزارت خارجه به توسط سفارت خیر داده بودند که وزارت جنگ آقای نوری را برای رفتن به کرمانشاه دعوت می‌کند، خوب است هرچه زودتر گذرنامه خود را حاضر [کنید] و مهیای رفتن بشوید. اگر چه آقای نواب چندان مایل نیستند که مسئولیتی از این بابت به ایشان تعلق بگیرد و یا فامیل آقای نوری از ایشان رنجش پیدا کند. معهداً آقای نوری خوشحال است که بدین مأموریت معین شده است. از اینجانب هم مشورت کرد نتوانستم عقیده راسخی در این زمینه به او بدهم. بسته به میل خود او است. اگر مایل است که اوقات خود را در اینجا به بطالت صرف کند مختار است. ولی اگر بخواهد کار بکند و به نفع ایران هم باشد محقق رفتن به کرمانشاه برای او بهتر است. در هر صورت از قرار معلوم با میل مفروطی که خود او در رفتن به فرونت ایران دارد رفتن او به کرمانشاه محقق است.

از قرار آخرین خبر قوه روسها در ایران زیاد شده و بیجار را هم مجدداً از عثمانیها پس گرفته‌اند.

نامه صفاءالممالک از وینه

دوشنبه ۳۰ اکتبر - صبح آقای نواب تلفن کرده قرار گذاشتیم بعدازظهر به سفارت رفته راجع به اوضاع مذاکره نماییم. لذا بعدازظهر ساعت سه به سفارت رفته چند نفر از مهاجرین هم آنجا بودند. کاغذی آقای صفاءالممالک از وینه به توسط آقای نواب برای اینجانب نوشته و در این نامه شرح ملاقات خود را با خلیل بیک وزیر خارجه عثمانی در وینه داده

است. در ضمن صحبت آقای خلیل بیک می‌گوید که آلمانها به واسطه یأسی که از ضعف ایران دارند حاضر نمی‌شوند تضمیناتی بدهند. ضمناً گفته بود به خیال او چون نگارنده بعد از وصول اخطاریه آلمان به دیدن او نرفته [ام] یقیناً از او هم رنجشی حاصل شده است. خوب است آقای صفاءالممالک از طرف او براثت ذمه بخواهند که او کوشش خودش را کرده ولی به جای مطلوبی نرسیده است.

آلمانها و آزادی عمل

با آقای نواب هم مذاکرات مفصل راجع به اوضاع خودمان صورت گرفت. ایشان هم عقیده اینجانب را تأیید کردند که آلمانها برای خلاصی از شدت اقدامات اینجانب در اینجا کار را به کرمانشاه کشانده‌اند. عقیده ایشان هم بر این است که آلمانها نمی‌خواهند آزادی عمل را از خود سلب نمایند و تضمیناتی را که جلوگیری از این آزادی بنمایند بکنند. شب را با آقای علوی به قصر یخ که برای بازی پاتیناژ ساخته‌اند رفتیم، جایی تماشایی تأثر مانند که وسط آن یخ مصنوعی به وجود آورده‌اند و روی آن پاتیناژ می‌کنند. هم یخ‌بازی است و هم رقص.

نوری اسفندیاری

سه شنبه ۳۱ اکتبر - امروز چند ساعتی پیش از ظهر به نوشتن و خواندن مشغول بودم. چند نامه به کرمانشاه و استانبول نوشته [شد] که به توسط وزارت خارجه آلمان و سفارت ایران بفرستم. بعدازظهر آقای نوری به دیدن اینجانب آمد. می‌گفت ملاقاتی از اداره سیاسی وزارت جنگ آلمان کرده و چنین قرار گذاشته است که تا پانزده نوامبر به طرف مشرق حرکت کند و اگر عایقی جلو نیاید هر چه زودتر خود را به کرمانشاه خواهد رسانید. پیشرفت آلمانها در قسمت رومانی ادامه دارد ولی عجالتاً محاربه سختی در فرونت فرانسه در جریان نیست.

پس از یک سال - ضرر هجوم روسها

چهارشنبه ۱ نوامبر ۱۹۱۶ - تقریباً یک سال است که قشون روس وارد ایران شده، به طرف تهران هجوم آورده و ما را از پایتخت کشور خود دور گردانیده است. پس از یک سال امروز خود را در برلن عاطل و باطل و بی تکلیف می بینم. تنها مشغولیات و فرحی هم اگر دارم از خواندن و نوشتن و به قول دکتر واسل از صرف و نحو آلمانی است. اگر روسها این تهاجم را نمی کردند ما به جای خودمان مستقر بودیم و امروز هم نیروی عثمانی نزدیک پایتخت ما نمی بود و حتی امور تجارتنی خود روسها هم با ایران مختل نمی شد. اخیراً گویا کلیه اتباع روس از تهران خارج [شده اند] و حتی آرشیوهای سفارتخانه های روس و انگلیس را از تهران برده اند. از قرار آخرین خبر که از استانبول رسیده شکست تازه به روسها در نزدیکی همدان وارد [شده است] وعده ای از آنها به دست عثمانیها اسیر شده اند.

پوتسدام و ملکه

امروز به مناسبت خوشی هوا و گرفتگی حال خودم به پوتسدام رفتم. دو ساعت بعد از ظهر بدانجا رسیده، ناهار را صرف [کردم] و ساعت سه و نیم به باغ معروف سان سوسی رفتم. افسوس درب کاخ را همان وقت بسته [بودند] داخل کاخ نتوانستم بشوم. ولی مدتی در پارک گردش می کردم. در بهار این پارک خیلی با صفا است ولی امروز که وسط پاییز و برگها در حال ریزش است آن صفا را که باید داشته باشد پارک ندارد. ولی باز هم خالی از فرح نبود و به اینجانب بد نگذشت. ملکه اکنون در کاخ پوتسدام منزل دارد در کالسکه مخصوص نشسته در پارک می گشت. چون کالسکه بسته [بود] و به تندی حرکت می کرد نتوانستم درست او را ببینم. ولی به خاطر دارم در ۱۹۰۳ که در برلن بودم در اوتتر دن لیندن او را دیدم، معلوم است از آن زمان تا به حال سیرده ستال می گذرد و خیل مسن تر شده است. گویا

در اینجا تنها زندگی می کند. خود امپراتور دائماً در میدانهای جنگ است. پسرهایش هم تماماً در جنگ هستند. دخترش هم نزد شوهرش در جای دیگری است. آلمانها از قرار معلوم ملکه خود را خیلی دوست دارند.

تلگراف و ثوق الدوله

ساعت هشت به برلن مراجعت [کردم] و به منزل رفتم. از سفارت ایران تلفن کرده بودند که هر وقت مراجعت کردم با تلفن صحبت کنم. معلوم شد تلگرافی از کرمانشاه و نامه هایی از استانبول برای اینجانب رسیده است. بعد از صرف شام ساعت ده به سفارت رفته تا ساعت یک و نیم بعد از نصف شب در آنجا بودم. نامه مفصلی از آقای طباطبایی رسیده بود. گزارشات آنجا را مفصل نوشته اند. چیزی که خیلی اهمیت دارد تلگرافی است که و ثوق الدوله به سفارت استانبول کرده و از آقای طباطبایی و آقای احتشام السلطنه و اینجانب استمداد فکری می طلبد. می گوید امروز روزی است که کلیه افکار ایرانی صاحب فکر و نفوذ بایستی تمرکز پیدا کرده، برای نجات مملکت صرف شود و در این ضمن نظریات سفارت استانبول را راجع به اوضاع امروزی می خواهد. آقای احتشام السلطنه هم در جواب کسب تکلیف کرده می گوید اگر دولت ایران جداً در صدد تهیه زمینه ای است دستورالعمل داده ایشان با استمداد آقای طباطبایی و نگارنده و فراهم نمودن مقدمات آن مشغول [شود] و اطلاعات صحیح کسب [کنند] و در دسترس دولت گذارند. هنوز جواب این تلگراف نرسیده است.

یأس طباطبایی

میرزا سلیمان خان می کده هم طبق دستور آلمانها از حلب به استانبول برگشته به برلن خواهد آمد. آقای طباطبایی سواد چندین نامه و پیشنهاد که به توسط علی بیگ به انور پاشا نموده برای اینجانب فرستاده اند. ضمناً

تقاضا می‌کنند که به خلیل بیک وزیر امور خارجه دستور داده شود که هر قدر می‌توانند در برلن به نگارنده کمک کرده بلکه دولت آلمان حاضر به قبول تضمینات و تعهدات بشود. نامه اخیر اینجانب در خصوص عدم موفقیت در گرفتن تعهدات از دولت آلمان آقای طباطبایی را افسرده و تا حدی مأیوس کرده. از اینجانب صلاح دید برای خود و اینجانب می‌نماید. فی الحقیقه با این پیشامد انسان متحیر است چه بکند. نه روی برگشتن به ایران را دارد و نه طاقت تحمل ماندن در اینجا.

تلگرافی از کرمانشاه دریافت نمودم که از اقدامات جدی اینجانب اظهار امتنان [کرده] و صورت قرارداد یأس آوری را که نادولنی در آنجا پیشنهاد کرده فرستاده‌اند. در همین تلگراف باز از اینجانب تقاضا دارند کوشش کرده بلکه دولت آلمان را به دادن تضمینات و ادار نماید.

نواب و میکده

پنج‌شنبه ۲ نوامبر - نزدیک ظهر آقای نواب به دیدن اینجانب آمده تا ساعت دو بودند. راجع به آمدن آقای میرزا سلیمان خان میکده که به دعوت ایرانیهای اینجا بوده اظهار عدم اطلاع می‌کردند. صحیح هم به نظر نمی‌آید که ایرانیان آقای میکده را دعوت کرده و اسباب زحمت ایشان شده باشند. بعدازظهر آقای علوی به منزل اینجانب آمده چای را با هم صرف کرده و نامه‌ای متفقاً به آقای طباطبایی نوشتیم. نامه‌ای امروز به زیرمن نوشته سواد قراردادی را که از کرمانشاه فرستاده بودند لطفاً برای او فرستاده خواهش کردم توجهی در آن باره بنماید. پس از صرف چای با آقایان هدایت و علوی به گردش رفته و پس از صرف شام به اپرای برلن رفتم. پیس معروف واگنر به نام لوهنگرین که موزیک کلاسیک آلمان و آواز اپرا است به نمایش گذاشته بودند که بسیار جالب توجه بود. ساعت یک بعد از نیمه شب به منزل مراجعت کردم.

کنسول ژنرال ایران

جمعه ۳ نوامبر - صبح زود آقای [عباسقلی] نوری تلفن کرد که ادوال و خانمش می‌خواهند شما را ملاقات کنند. به ایشان گفتم حضرات را روز شنبه فردا بعدازظهر در هتل کایزرهف از جانب اینجانب به جای دعوت کنند. کنسول ژنرال ایران موسیو لئون که از کلیمیان متمول اینجا است و گویا کارخانه هم دارد روز یکشنبه آینده اینجانب را به شام دعوت کرده این دعوت را قبول نکردم. موضوع این بود که چند روز قبل به خواهش آقای نواب رفتم برای او و خانمش کارت گذاشتم. سه روز بعد از آن به توسط کلفت خانه‌اش کارت برای اینجانب فرستاده بود. از این عمل غیرمؤدبانۀ ایشان رنجیده [شدم] و به آقای نواب هم از این طرز رفتار شکایت کردم که به اسم کنسول ژنرال ایران نباید چنین رفتاری بکند.

جواب وثوق الدوله

آقای نواب از اینجانب با تلفن دعوت کرده که بعد از شام به سفارت بروم تا متفقاً در تهیه مینوت یک تلگراف به آقای وثوق الدوله به تهران اقدام کنیم تا خلاصه مذاکرات اینجانب با آلمانها به اطلاع دولت ایران برسد. از ساعت نه تا ساعت دوازده در سفارت بودم. ولی بیش از چند سطری تهیه نشد و خلاصه این بود که نگارنده به برلن آمده بعضی درخواستها راجع به تضمین استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران از دولت آلمان کرده [ام] ولی آلمانها در جواب می‌گویند [فقط] در صورتی که ایران نسبت به آلمان و متحدین متمایل بماند و یا علیه متفقین داخل جنگ شود مساعی خود را در تضمین استقلال ایران مبذول خواهد داشت.

افسران سوئدی

شنبه ۴ نوامبر - ساعت پنج بعدازظهر با ادوال و خانمش در هتل کایزرهف

حسب‌الدعوه چای صرف شد. ادوالم از گذشته مفصلاً صحبت می‌کرد و می‌گفت تا یک هفته پس از محرم پارسال که شاه رسماً می‌خواست از تهران حرکت کند باز از این فکر منصرف نشده و بعضی مواقع به فکر عزیمت از تهران بود تا آنکه بالاخره به واسطه پیشرفت روسها از حرکت به کلی صرف‌نظر نمود و نیز می‌گفت پنج نفر از صاحبمنصبان سوئدی در اینجا هستند که می‌خواهند به ایران بروند ولی آلمانها چندان میلی به رفتن آنها ندارند. چلسترم افسر سوئدی دو هفته پیش در سوئد فوت کرده است. اریکسن افسر دیگر سوئدی در تابستان گذشته در بغداد فوت شد. امروز یکی از رؤسای ملیون ایران با فن ویزندونگ ملاقات و راجع به درخواستهای اینجانب مذاکره کرده و وعده داده است که کلیه مساعی خود را در این راه مبذول خواهد داشت.

آزادی لهستان

یکشنبه ۵ نوامبر - تا ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن بودم و ناهار را با چند نفر از آقایان مهاجرین در یکی از رستورانهای حوالی اینجا صرف نمودیم. امروز دولت آلمان و اتریش آزادی به لهستان روس که سال گذشته تحت اشغال آورده‌اند داده، امپراتور آلمان و اتریش هر دو دستخط آزادی این قسمت لهستان را امضا کرده‌اند و قرار است فردا این دستخط در لوبلن و ورشو خوانده و صورت رسمی بدان داده شود. از قرار معلوم این اقدام اثر خوبی در ممالک بی‌طرف خواهد داشت و ضمناً اهالی لهستان هم به طور کلی با امیدواری به آتی خود به متحدین کمک خواهند کرد.

آتش جنگ

دوشنبه ۶ نوامبر - امروز هم تا ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن

بودم. هوا فوق‌العاده برای این وقت سال خوش و دلپذیر است. اغلب روزها خشک و آفتابی است و بدین جهت آتش جنگ در فروتنهای مختلف جنگ مشتعل است. طبق ابلاغیه امروز آلمان محاربه سختی در روز پنجم نوامبر در ناحیه سم روی داده، انگلیسیها و فرانسویها حمله فوق‌العاده سختی به آلمانها کرده ولی با تلفات زیاد عقب نشسته‌اند. گویا جزئی پیشرفتی در یک قطعه خیلی کوچک نصیب آنها شده و طبق ابلاغیه خودشان عده‌ای اسیر و قدری غنیمت جنگی به دست آورده‌اند. از وزارت خارجه آلمان این دو روزه خبری نشده، سفارت هم اطلاعی ندارد. از تهران و فرونت ایران هم خبر تازه‌ای نرسیده.

بختیارها و روسها

سه شنبه و چهارشنبه ۷ و ۸ نوامبر - این دو روزه هم خبر قابل نگارشی نرسیده است. فقط از ایران خبر رسیده که بختیارها رسماً به روسها اعلان جنگ داده و حاجی آقا نورالله هم در این خصوص فتوی داده است. این دو روزه مصادف با دهم و یازدهم محرم می‌باشد. پارسال این موقع در قم بودیم و هیجان عجیبی در آنجا مشاهده می‌شد. کمیته دفاع ملی تازه تأسیس و مشغول تبلیغات شده و احساسات مردم را کاملاً برانگیخته بود، از اطراف مشغول جمع‌آوری قوا بودند. ولی آنچه در عمل مشاهده شده تاکنون از تمامی آن مساعی و اقدامات هیچگونه نتیجه مثبتی عاید نشده است.

پروفسور تمن

پنجشنبه ۹ نوامبر - صبح آقای نواب تلفن کرد که نامه و تلگرافی برای اینجانب به سفارت آمده خوب است ساعت یازده به سفارت رفته و از

آنجا با ایشان به دیدن پروفیسور تمن^۱ که مدتی بستری و ناخوش می باشد برویم. ساعت یازده به سفارت رفته، دو نامه یکی از مفخم الدوله و دیگری از میرزا محمودخان شارژدافر هلند برای اینجانب رسیده و نیز تلگراف خیلی مفصلی در بیست و هشت صفحه رمز عددی از کرمانشاه مخابره شده که در امروز برای اینجانب فرصت استخراج آن نبود. سپس با آقای نواب به دیدن پروفیسور تمن رفتیم. چند هفته است بستری می باشند. از قرار تشخیص حکیم میکرب مالاریا وارد خون او شده و سینه او را ناراحت کرده است. طبق تجویز دکتر باید مدتی استراحت کند. پروفیسور تمن در نظر دارد که یک عده از اشخاص معروف را از میان مستشرقین آلمانی انتخاب نموده با آنها کمیته ای برای امور تحصیلی یک عده محصلین ایرانی در آلمان تشکیل دهد ولی با این کسالت فعلی آیا خواهد توانست منظور خود را عملی کند یا خیر معلوم نیست. تا یک ساعت بعد از ظهر با پروفیسور تمن بودیم. امروز انتخاب ریاست جمهوری امریکا به عمل آمده و یلسن رئیس جمهور فعلی مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شده است.

حسن خان اختر

جمعه ۱۰ نوامبر - پیش از ظهر قسمتی از تلگراف مفصل کرمانشاه را استخراج کردم. ساعت پنج بعد از ظهر حسن خان اختر به دیدن اینجانب آمد. مسافرت خودش را تا سرحد سوئد و روسیه شرح می داد. چند روزی در استکهلم معطل بوده تا تذکره او را کنسول روس ویزا [کرده] و به طرف سرحد روس حرکت می کند. در سرحد روسیه مانع از ورود او می شوند. پس از چند روز معطلی در آنجا به استکهلم برمی گردد. در آنجا تلگرافی از مفخم الدوله به کنسول ایران می رسد که اولیای وزارت

۱. شناخته نشد و ضبط درستی به نظر نمی رسد. شاید «من» (اسکارمان) محقق زیانشناسی ایران منظور باشد.

جنگ مانع داخل شدن اختر به خاک روسیه هستند. بالاخره مایوس به آلمان مراجعت می کند. امروز روسها یک شکست مختصری خورده و قریب چهار هزار اسیر داده اند.

مسائل تضمین آلمانها در تلگراف کرمانشاه

شنبه ۱۱ نوامبر - پیش از ظهر استخراج تلگراف کرمانشاه را به پایان رساندم. در این تلگراف اظهار می شود که نادولنی نماینده آلمان در کرمانشاه می خواهد در ماده اول قرارداد اظهارات گذشته مأمورین آلمان را بگنجاند. مثلاً از قرارداد کانتسین و اظهارات واسل در صحنه و قصر شیرین تذکر داده اظهار می دارد که از روی این نوشته جات استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران کاملاً تضمین شده و ایرانها و حکومت موقتی کوشش می نمایند که جزئیات دیگری را به طریق قرارداد رسمی با دولت آلمان منعقد نمایند. حکومت موقتی و ایرانیان مهاجر و ملی هیچوقت راضی نمی شوند که وعده های سابق آلمانها جای یک قرارداد رسمی در تضمین استقلال ایران را احراز کند. ایرانیان نمی توانند اوضاع حالیه را بدون انعقاد یک قرارداد رسمی ادامه دهند و بدون چنین قراردادی که در آن تضمین بی شرط استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران شده باشد اقداماتی علیه روس و انگلیس به نفع آلمان و عثمانی بنمایند. در خاتمه این تلگراف مفصل از اینجانب خواش شده هرچه زودتر نتیجه اقدامات را به کرمانشاه تلگراف کرده و به آقای طباطبایی هم در استانبول اطلاع بدهم.

بعد از ظهر ساعت چهار به سفارت رفته تلگراف مذکور را برای آقای نواب خواندم. به خواهش آقای نواب دو نامه برای ایشان سواد کردم؛ یکی به آقای وثوق الدوله و دیگری به مشارالملك، مبنی بر اینکه مقرری چهارده ماهه سفارت ایران را هرچه زودتر به توسط سفارت امریکا در

تهران یا سفارت ایران در لندن برای ایشان حواله کنند که رفع معطلی بشود. شام را به اتفاق آقای نواب در خارج خوردیم.

كدورت نواب

ضمن صحبت اینجانب اظهار داشتم به طوری که استنباط می‌کنم سفارت ایران در برلن آن طور که باید و شاید در تشریح مذاکرات اینجانب با آلمانها اهتمام نمی‌کند. اظهارات اینجانب موجب عصبانیت آقای نواب گردید به طوری که در موقع خداحافظی با کمی کدورت از هم جدا شدیم. جای افسوس است که آقای نواب در زندگانی اجتماعی خیلی گرم و با محبت هستند ولی در امور رسمی بسیار محافظه کار و سخت‌گیر بوده و طرف را هر قدر هم دوست باشد از خود می‌رنجانند. اینجانب در آلمان موقتی بوده و توقعی هم از هیچگونه مساعدت خصوصی ندارم و تنها انتظار مساعدت برای تسریع در مذاکرات و انجام تقاضاهای حکومت موقتی به نحو احسن از ایشان دارم.

نامه‌ها و دیدارها

یکشنبه ۱۲ نوامبر - تا یک ساعت به ظهر مشغول تحریر بودم. نامه به زیرمن نوشته سواد تلگراف مفصل کرمانشاه را برای او فرستاده خواش کردم هر چه زودتر جواب به آن بدهند تا به کرمانشاه مخابره شود. نامه‌ای هم به سفارت ایران در برلن نوشته سواد تلگراف کرمانشاه و نامه به زیرمن را برای سفارت فرستادم تا از جریان کار آگاه باشند. نامه‌ای هم به آقای طباطبایی به استانبول نوشته مراتب را مفصلاً برای ایشان تشریح کردم. ناهار را منزل آقای اعظم السلطنه پسر آقای احتشام السلطنه که قرار بود به استانبول بروند و تا کنون نرفته‌اند دعوت داشتم. آقای نوری و چند نفر دیگر هم جزء مدعوین بودند. شب را پس

از صرف شام با چند نفر از آقایان مهاجرین در حدود ساعت دوازده به منزل برگشتم.

نواب و کدورت فیما بین

دوشنبه ۱۳ نوامبر - صبح از سفارت اطلاع دادند تلگرافی از کرمانشاه رسیده است تکلیفش را معین کنید. خواهش کردم به اینجا بفرستند. از قرار معلوم آقای نواب جریان کدورت بین ایشان و نگارنده [را] به اغلب ایرانیان گفته‌اند. ناهار را با آقایان علوی و نوری و چند نفر دیگر صرف کردم. نامه‌هایی به زیرمن و به سفارت ایران در برلن و آقای طباطبایی در استانبول که حاضر کرده بودم فرستادم.

عقیده نادولنی

زیرمن امروز جوابی به نامه دوم نوامبر اینجانب داده می‌گوید به نادولنی تلگراف کرده عقیده او را راجع به قراردادی که درخواست شده است خواسته‌ایم و منتظر جواب او هستیم. از قرار اخبار واصله پیشرفت آلمانها در رومانی ادامه دارد، چند جای بالنسبه مهم را همین دو روزه تحت اشغال گرفته‌اند.

رفتار در مورد من

سه شنبه ۱۴ نوامبر - امروز بلدیۀ محل نامه به اینجانب نوشته حاکی از اینکه رئیس حکومت محلی در پوتسدام دستور داده است که تسهیلات لازم در وصول ارزاق مانند نمایندگان دول و دیپلمات برای اینجانب فراهم کنند و خواهش [کرده است] هر چه لازم دارم بنویسم تا اجازه تحویل و خرید آن را بدهند. این نامه خیلی مؤدبانه و با نزاکت نوشته شده و عنوان جنابی به اینجانب داده‌اند و می‌نویسند که رفتاری که به نمایندگان دول می‌شود در مورد شما هم خواهد شد.

دو تلگراف رمز کرمانشاه

دو تلگراف از کرمانشاه رسیده کشف کردم. یکی از این دو تلگراف راجع به توطئه سوء قصدی است که اخیراً نسبت به نظام السلطنه در کرمانشاه در شرف انجام بوده که خوشبختانه به وسیله نظمیه کشف شده است و عده‌ای که در این توطئه شرکت داشته‌اند همگی توقیف و تحت استنطاق هستند.

جواد قاضی

بعد از ظهر آقایان نوری و [جواد] قاضی منزل اینجانب آمده تا ساعت هفت هم بودند. قاضی را دفعه اول است می‌بینم. جوان خوبی به نظر می‌آید. مدتی است در برلن می‌باشد و سمت نیابت افتخاری محلی سفارت را دارد. در برلن ازدواج کرده و سفارت هم کمتر می‌رود. از قرار می‌گفت چندان رضایتی از آقای نواب ندارد. شب را پس از صرف شام با چند نفر از رفقا در حدود نیمه شب به منزل مراجعت کردیم.

جواب بلدیہ

چهارشنبه ۱۵ نوامبر و پنج‌شنبه ۱۶ و جمعه ۱۷ نوامبر - صبح چهارشنبه جواب کاغذ بلدیة محل را داده ضمن تشکر از آن اداره خواهش کردم که اجازه عمومی برای خوراک و پوشاک مصرفی اینجانب بفرستند تا به وسیله آن بتوانم وسایل مورد احتیاج خود را خریداری کنم.

رفع سوء تفاهم با نواب

یکی از سران ملیون به اینجانب تلفن کرد که عصر برای صرف چای به منزل ایشان بروم که ضمناً آقای نواب را هم در آنجا ملاقات کنم. از ایشان خواهش کردم اگر ممکن است فردا را به جای امروز تعیین نمایند.

پنجشنبه عصر طبق قرار قبلی به منزل ایشان رفتم. آقای نواب هم در آنجا بودند، در نتیجه رفع سوء تفاهم شد و شب را تا نصف شب با هم بودیم و شام را به اتفاق صرف کردیم.

ورود میکده

روز جمعه میرزا سلیمان خان میکده و روح‌الله خان اخوی ایشان با ترن بالکانیک از استانبول وارد برلن شدند. دو روز است در جبهه رومانی جنگ به شدت ادامه دارد و از قرار معلوم آلمانها و اتریشها پیشرفت خوبی کرده‌اند و خبری که امروز رسیده حاکی است که آلمانها متجاوز از دو هزار اسیر در جبهه رومانی گرفته‌اند.

سرماي فوق العاده

شنبه ۱۸ نوامبر - صبح قدری به گردش رفتم. هوا فوق‌العاده سرد بود و باد خیلی سردی می‌وزید که در نتیجه درجه برودت هوا به چند درجه زیر صفر رسیده. نهار را امروز با آقای نوری صرف کردم. دو نفر از آقایان ملیون با فن ویزندونگ ملاقات و راجع به تقاضاهای اینجانب صحبت کرده‌اند که جزئیات را در ملاقات بعدی خواهند گفت.

ملاقات میکده و اخبار عثمانی

یکشنبه ۱۹ نوامبر - تمام امروز برف می‌بارید و هوا هم خیلی سرد است. نهار را با آقایان میرزا سلیمان خان میکده و اخوی ایشان حسب الوعده صرف کردم. آقای میکده اطلاع جدیدی اظهار نداشت. می‌گفت اغذیه در استانبول فراوان و از همه جهت وسایل راحتی فراهم است. طبق دستور جدید دولت عثمانی کلیه معافیها را برای خدمت نظامی می‌گیرند و بدین واسطه عده زیادی از استانبول رفته و بعضی مغازه‌ها هم بسته شده است.

نیروی بالنسبه مهمی از طرف دولت عثمانی به فرونت عثمانی فرستاده شده، از جدیت عثمانیها خیلی توصیف می نمود. سردار سعید که با ایشان بوده در بیروت مانده تا آقای میکده مهاجرت کند.

توطئه سوء قصد

امروز تلگرافی برای کرمانشاه تهیه کرده نزد فن ویزندونگ فرستادم تا مخابره کند. راجع به جواب تلگراف مفصل کرمانشاه نوشتم که در جریان اقدام هستم و نتیجه را بعداً به اطلاع خواهم رساند. در خصوص توطئه سوء قصد اظهار تأسف کرده مخصوصاً متذکر شدم که مرتکبین چنین توطئه باید شدیداً مجازات و تنبیه شوند.

برف

دوشنبه ۲۰ سه شنبه ۲۱ چهارشنبه ۲۲ نوامبر - روز دوشنبه هوا کمی ملایم تر شده ولی برف زیادی باریده است. بعد از ظهر به جنگل خارج شهر برای گردش رفتم. جمعیت زیادی به خصوص شاگردان دبستانها در روی برف بازی می کردند. خانه های خیلی عالی در این قسمت شهر ساخته شده است و به واسطه خطوط تراموای برقی تردد با مرکز شهر به سهولت فراهم است.

یکی از سران ملیون

سه شنبه یکی از سران ملیون مجدداً فن ویزندونگ را ملاقات کرده و راجع به تقاضای اینجانب با ایشان مذاکره نمود. فن ویزندونگ گفته است که چون کار انعقاد قرارداد به کرمانشاه احاله شده لذا تلگرافی عقیده نادولنی را خواسته ایم که هنوز جواب نیامده و تا جواب از کرمانشاه نرسد راجع به این موضوع هیچگونه اقدامی مقدور نیست.

فوت امپراطور اتریش

امروز آلمانها و اتریشیها در فرونت رومانی پیشرفت تازه ای کرده و ارسوا را اشغال کرده اند، ولی روز پیش آلمان از من شیر عقب نشینی کرده و صربها آنجا را تصرف کرده اند. فن یاکو از وزارت خارجه به سفارت وینه منتقل شده و زیر من به جای او به سمت وزارت خارجه آلمان ارتقاء یافته. امپراتور اتریش که شدیداً ناخوش شده و اخیراً به شدت حال او رو به وخامت گذاشته بود دیشب فوت می کند و بدین طریق مسن ترین پادشاه اروپا، جهان فانی را بدرود گفت. گویا عثمانیها پیشرفتی در جبهه ایران کرده و به نزدیکی سلطان آباد رسیده اند. این چهارشنبه روز عید توبه و انابه مسیحیان بوده و همه جا بسته و تعطیل است. هوا هم مجدداً فوق العاده سرد شده و چون اینجانب هم مختصری احساس کسالت می کردم لذا تا اول شب از منزل بیرون نیامدم و مشغول مطالعه بودم.

اختلاف میان ایرانیان

فقط اول شب بیرون [رفته] و چند نفر از سران ملیون را ملاقات کرده قرار شد نامه ای به پیوست رونوشت تلگراف کرمانشاه برای آقایان بفرستم تا مجدداً با فن ویزندونگ مذاکره بنمایند. از قرار گفته های آقای سلیمان خان می کده در استانبول بین ایرانیان اختلاف افتاده و گویا بین حاجی میرزا یحیی دولت آبادی و آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر نیز جزئی گفتگویی پیش آمده است.

ملاقات ویزندونگ

پنجشنبه ۲۳ و جمعه ۲۴ نوامبر - این دو روزه هوا قدری بهتر شد و از برودت شدید هوا کمی کاسته شده است. یکی از رهبران ملیون مجدداً فن ویزندونگ را دیده و تأکید کرده است که خوب است قرار کار اینجانب

را بدهند. ولی باز هم آلمانها بعد از اینکه هنوز جواب نادولنی از کرمانشاه نرسیده به ظفره و دفع الوقت گذرانده‌اند به نحوی که برای ایشان هم محقق شده که آلمانها نمی‌خواهند تعهدی برعهده گیرند. آقای نوری رئیس بلدیة محل را ملاقات نموده و ترتیب صدور کارت جیره‌بندی را داده تا آنچه برای اینجانب لازم شود بتوانم خریداری کنم.

وضع جنگ

دو سه روز است که حمله آلمانها در جبهه رومانی ادامه دارد مکنزن سردار آلمانی از قسمتی از رودخانه دانوب گذشته و از طرف شمال هم فالکنهاین حمله شدید نموده است. معلوم است که وضع رومانی به این ترتیب چندان خوب نیست و متفقین نیز به همین جهت متوحش هستند. یکی دو کشتی بزرگ انگلیس هم به وسیله آلمانها در این دو روزه غرق شده است. مخصوصاً کشتی بریتانیا به ظرفیت چهل و هشت هزار تن که اخیراً اختصاص به مریضخانه داده بوده‌اند و کشتی دیگری بیا که آن هم کشتی بزرگی بوده که برای مریضخانه به کار می‌رفته غرق شده‌اند. در طرف کردستان ایران هم عثمانیها جزئی پیشرفتی نموده‌اند.

نادولنی و احضار من

شنبه ۲۵ نوامبر - دیشب تلگراف رمزی از کرمانشاه برای اینجانب رسید حاکی از اینکه نادولنی در آنجا به حکومت موقتی فشار آورده [اند] که وحیدالملک را تلگرافاً احضار کنید و اینطور که اینجانب استنباط کردم نادولنی خواسته است بگوید که ایرانیها به اینجانب نظر خوبی نداشته. در صورتی که اینجانب در همین سمت در برلن بمانم ایرانیان اینجانب را قبول نخواهند داشت، خوب است آقای نواب را به جای نگارنده تعیین نمایند. آقای نظام‌السلطنه از نگارنده خواهش کرده که در ابقاء خودم اقدام

[کنم] و نتیجه را هر چه زودتر به ایشان اطلاع بدهم. مفاد تلگراف را به آقای نواب اطلاع دادم. ایشان عقیده‌شان این است که منظور آلمانها از این اقدامات این است که ما را از موضوع پرت کنند. خلاصه مفاد تلگراف را به یکی از سران ملیون گفتم. ایشان فوق‌العاده ناراحت شدند که آلمانها چنین نسبت ناروایی به ایرانیان داده‌اند.

میکده - قیمت لیره

قبل از ظهر آقای میرزا سلیمان‌خان میکده را ملاقات و مفصلاً صحبت کردیم. ایشان هم از این مراجعت خود به برلن پشیمان و تقریباً متفعل است. خود و اخوی ایشان روح‌الله خان در یک پانسیون منزل گرفته‌اند و از بابت خوراک و عدم آشنایی به زبان، فوق‌العاده سخت به ایشان می‌گذرد. بعد از ظهر نواب را در سفارت ملاقات کردم. کاغذی از آقای عباسقلی خان نواب اخوی خود داشتند. قیمت لیره در ایران بیست و پنج قران است و اوضاع تهران روی هم‌رفته چندان بد نبوده است.

تلگراف نظام‌السلطنه

یکشنبه ۲۶ نوامبر - بعد از ظهر تا نصف شب با آقای نواب بودم. این تلگراف را از آقای نظام‌السلطنه دریافت کرده‌اند:

شاید با عوالم سابقه تصدیق فرمایید که یک امیدواری بزرگ من در این اقدامات متکی به کمک جنابعالی بوده است که همیشه در این عقاید شریک و از پیشقدمین بوده‌اید، به همان نظر هم بود که بعد از تقاضای مکرر دکتر واسل در اعزام یک نفر نماینده به برلن آقای وحیدالملک را که یکی از سران ملیون ایران و دوست خالص جنابعالی می‌باشند بدین نمایندگی انتخاب شد که در پیشرفت این مقاصد اساسی با جنابعالی تشریک مساعی نماید. نمی‌دانم چه شده است که نادولنی چند روز است می‌گوید آقای وحیدالملک را

احضار نمایید و این تقاضا را به برلن نسبت می‌دهد. دوستانه و محرمانه می‌پرسم که علت این تقاضا به جنابعالی معلوم است یا خیر؟ اینجا تصور می‌شود فقط میل نادولنی است که می‌خواهد قرارداد اینجا بدون مداخله غیر و به میل او انجام گیرد. در صورتی که انجام قرارداد با نظریات اساسی منوط به مصالح مخصوص است که در آنجا به عمل آید. خوب است اگر این تقاضا از طرف دربار برلن است لطفاً منصرفشان بفرمایید که با اقدامات جدی آقای وحیدالملک و مساعدت جنابعالی مقصود ملیون به نتایج مطلوبه برسد.

وضع میکند

امروز فن ویزندونگ تلفوناً به یکی از سران ملیون اطلاع داده است که جواب وحیدالملک را مشغول نوشتن هستم. لذا سوادی از تلگراف کرمانشاهان برای ایشان فرستادم. امروز صبح آقای میرزا سلیمان‌خان می‌کده منزل نگارنده آمد. شرح مفصلی با هم صحبت کردیم که بلکه به قول ایشان اگر سوء تفاهمی در میان باشد مرتفع شود. ایشان سرگردان و بی‌تکیف و پشیمان و درمانده‌اند. قرار شد مکاتبات خودشان را به وسیله اینجانب به استانبول بفرستند.

زیمرمین وزیر خارجه

دوشنبه ۲۷ نوامبر - چند روز است قوای متحدین پیشرفت نمایانی در فرونت رومانی کرده از سه طرف خطوط رومانیها را شکافته‌اند. اخیراً تحت البحرهای آلمان یک حمله به سواحل انگلیس برده‌اند. دیروز تلگراف جدیدی از کرمانشاه رسید. قسمت عمده آن راجع به نظریات نادولنی درباره قرارداد است. چند فقره امتیاز خواسته است، من جمله امتیاز خطوط آهن ایران. امروز برای زیمرمین که تازه به وزارت خارجه آلمان منصوب شده کارت تبریکی گذاشتم.

نامه کمیته ایرانیان برلن

سه شنبه ۲۸ نوامبر - امروز کاغذی از زیمرمین وزیر جدید امور خارجه در جواب مراسله یازدهم نوامبر نگارنده رسید بدین مضمون که نادولنی در کرمانشاه مشغول مذاکرات راجع به انجام قرارداد می‌باشد. بنابراین باید منتظر بود تا نظریات نادولنی به اطلاع وزارت امور خارجه برسد. سواد نامه‌ای که از طرف کمیته ایرانیان برلن برای وزارت خارجه آلمان فرستاده شده بدین مضمون به اینجانب رسیده:

شنیده می‌شود که موسیو نادولنی در کرمانشاه اظهار نموده که آقای وحیدالملک را از برلن احضار نمایند و چنین فهمانده است که ایرانیان اینجا از بودن ایشان در برلن خشنود نیستند. این موضوع باعث افسردگی خاطر کمیته ایرانیان گردیده زیرا از بدایت امر ما کاملاً با نظریات ایشان موافقت داشته و با تمام قوا هم خود را در پیشرفت مقاصد و نظریات ایشان مصروف و پیوسته نیز نزد اولیای دولت آلمان این نظر و مقصود را اظهار می‌داشته‌ایم. بدیهی است چنین موضوعی مورث سوء تفاهمات در کرمانشاه شده نتایج خوبی نخواهد داشت. امیدواریم که این سوء تفاهم به زودی مرتفع و دولت امپراتوری آلمان اقدامات کافیه در کرمانشاه در رفع سوء تفاهم خواهد نمود.

بعد از ظهر را با آقایان علوی و نوری گذرانده و پس از صرف شام به منزل مراجعت کردم.

کلکسیون زاره و مینیاتورهای عالی

چهارشنبه ۲۹ نوامبر - صبح با آقای نوری و خانم زاره به موزه بزرگ برای دیدن کلکسیون پروفیسور زاره رفتیم. مینیاتورهای ایرانی پروفیسور زاره را تماماً دیدیم. رویهمرفته کلکسیون بدی نیست. چند قطعه مینیاتور عالی

دارد که می‌توان گفت جزء بهترین نقاشیهای ایرانی است. ولی مابقی در درجه دوم و سوم اهمیت قرار گرفته. چند مینیاتور از زمان شاه عباس، دو قطعه آن به امضای رضای عباسی نقاش معروف است: یکی در هزار و چهل و دیگری در هزار و پنجاه هجری نقاشی شده. دو مینیاتور قلم سیاه قطع بزرگ نیز دیده شد که می‌توان آنها را در درجه اول شمرد. یک قطعه هم کار شفیع عباسی است که از اساتید بزرگ [عصر] شاه عباسی به شمار رفته است. شام را امشب با چند نفر از ملیون صرف کرده در حدود نصف شب به منزل برگشتم. α

عمل بینی نواب

پنجشنبه ۳۰ نوامبر - صبح آقای نواب تلفن کرد که هنوز اقدامی در خصوص تلگراف آقای نظام السلطنه نکرده و نمی‌خواهم بدون مشورت ملیون مقیم در برلن کرده باشم. دیگر گفت امروز بعدازظهر به مریضخانه می‌روم که جزئی عملی در بینی‌ام انجام شود. ساعت هفت بعدازظهر به سفارت رفته معلوم شد آقای نواب به مریضخانه رفته و عمل کرده‌اند. به عیادت ایشان به مریضخانه رفتیم. عباس خان اعظم السلطنه با ایشان بود. می‌گفت عمل بالنسبه سختی انجام گرفت قریب یک ساعت طول کشید. استخوان داخل بینی بزرگ شده مجرا را گرفته بود. استخوان [را] شکسته مجرای بینی را باز کردند. خود آقای نواب حالت حرف زدن نداشت و گاهی هم ناله می‌کرد.

۷

آلمانها حاضر به [قبول] تعهدات رسمی با حکومت موقتی نیستند

تلگراف با شتر

جمعه ۱ دسامبر ۱۹۱۶ - امروز به فن ویزندونگ تلفن کردم که اگر مضایقه ندارد تلگرافی برای کرمانشاه تهیه کرده نزد او بفرستم تا مخابره نماید. ظاهراً تعارف کرد که خیلی خوشحال می‌شوم بفرستید مخابره می‌شود. گفت تلگرافات ما دوازده روزه به کرمانشاه می‌رسد. گویا یک قسمت راه را با شتر سیر می‌کند. طرف عصر به احوالپرسی آقای نواب رفتم از مریضخانه به منزل رفته است.

انتظار جواب وزارت خارجه

امروز یکی از سران ملیون به اینجانب تلفن کرد که بعد از ارسال آن نامه دائر به تکذیب گفته‌های نادولنی دیگر هیچ یک از اعضای وزارت خارجه را ندیده و در حقیقت قهرم تا جواب قانع کننده از وزارت خارجه برسد. در خصوص تلگراف آقای نظام السلطنه به آقای نواب به ایشان گفتم من

خودم نمی توانم در این خصوص اظهار عقیده بکنم. اگر خود آقای نواب صلاح می دانند به هر نحو که میل دارند اقدام خواهند کرد والا موضوع منتفی است.

پیشرفت متحدین

این دو روز پیشرفت متحدین در رومانی خیلی شدت یافته از قرار معلوم عنقریب پایتخت رومانی را اشغال خواهند کرد. گویا چند روزی است دولت رومانی از بخارست مرکز خود را تغییر داده و به یک شهر کوچکی در نزدیکی سرحد روسیه رفته اند.

نواب و وحیدالملک

شنبه ۲ دسامبر - پیش از ظهر به دیدن آقای نواب به سفارت رفتیم. در رختخواب خوابیده بود و جزئی هم تب داشت. باز صحبت از تلگراف آقای نظام السلطنه شد. اظهار کردم اگر می خواهید اقدامی بکنید خوب است رأی نگارنده را نخواهید، زیرا شخص نگارنده راجع به کار خود نمی توانم رأیی اظهار نمایم. آقای نواب خیلی اصرار داشتند که از عقیده اینجانب اطلاع حاصل کنند. ولی به هر صورت نگارنده از اظهار عقیده استنکاف نمود. ناهار را با چند نفر از ایرانیان صرف و پس از قدری گردش به منزل مراجعت کردم. طبق اخبار روزنامه ها قشون متحدین به ده کیلومتری بخارست پایتخت رومانی رسیده است. مختصری از نطق انورپاشا در روزنامه های عصر خوانده شد. وزیر جنگ عثمانی اظهار می دارد که ایرانیها به کمک ما تشکیلات جدیدی داده در مقابل دشمن مشغول مبارزه هستند.

عدم رضایت آلمان از وحیدالملک

یکشنبه ۳ دسامبر - صبح آقای علوی به دیدن اینجانب آمد. تلگرافی برای

آقای نظام السلطنه نوشته جوف پاکتی برای فن ویزندونگ فرستادم تا مخابره نماید. خلاصه این تلگراف رمز بدین ترتیب تنظیم شد:

عدم رضایت آلمانها از نگارنده به واسطه فشاری است که برای گرفتن تضمینات آورده ام. آقای نواب هم تا به حال اقدام مؤثری نکرده و معلوم هم نیست اقدام ایشان خیلی مؤثر باشد. اگر حکومت موقتی واقعاً مسایل است اینجانب در اینجا ادامه اقامت نمایم خودشان مستقیماً از کرمانشاه اقدامات لازم بنمایند. آقای میرزا سلیمان خان هم اینجا هستند و از قرار معلوم با وزارت خارجه آلمان داخل بعضی مذاکرات می باشند.

روابط میکده و کمیته

از قرار اظهار آقای علوی، روابط آقای میرزا سلیمان خان با کمیته ایرانیان در اینجا خیلی گرم است و به توسط آنها نقشه ای به وزارت خارجه آلمان پیشنهاد کرده اند. ناهار را با آقایان علوی و نوری صرف کرده بعد از ناهار وقت خود را صرف نامه نوشتن به استانبول کردم.

وضع خودم

این روزها یکی از ازمئه خیلی سخت زندگانی اینجانب است. هیچ دلخوشی ندارم، حال تاریک و آتیه تاریکتر به نظر می آید. فقط دلخوشی که دارم همانا خواندن و مطالعه کتب آلمانی است. اگر این مشغولیات نبود معلوم نبود به چه چیز ساعات روز خود را می گذراندم. از خانواده ام بیش از یک سال است خبری ندارم. نمی دانم اوضاع آنها چگونه است.

شکست رومانی

دوشنبه ۴ دسامبر - امروز صبح رسماً خبر رسید که نیروی رومانی در یک جنگ بزرگی نزدیک بخارست شکست سخت خورده به کلی منهدم

شده‌اند. به حکم امپراتور آلمان در تمام کلیساهای پروس و آلزاس و لرن زنگ کلیساهای را نواخته‌اند. متجاوز از هشت هزار اسیر و مقدار زیادی مهمات جنگی به دست قشون آلمان افتاده است.

شام گوشت غاز

پیش از ظهر میرزا محمدخان قزوینی تلفن کرد که از قرار معلوم تصرف بخارست نزدیک است و خوب است خود را برای صرف شام غاز حاضر کنم. موضوع از این قرار است که یک ماه قبل در سر میز شام ایرانیها گفتگو کرده‌اند که اگر آلمانها بخارست را بگیرند یک شام گوشت غاز با هم صرف نمایند. تلفن آقای قزوینی برای یادآوری همین موضوع بود.

پیشنهادهای میکده

بعد از ظهر برای صرف ناهار به مهمانخانه کیندل که حضرات در آنجا هر روز ناهار می‌خورند رفتم. جمعی از ایرانیها را در آنجا دیدم و قرار گذاشتم که روزی که بخارست سقوط کرد با آقای میرزا محمدخان قرار شام را بدهیم. ساعت چهار بعد از ظهر یکی از رؤسای ملیون به دیدن من آمد و اظهار می‌نمود که میرزا سلیمان خان میکده بعضی تقاضاها کرده من جمله تشکیل قوایی در طرف جنوب به ریاست خود ایشان و قبول کردن اولاد و اخوان ایشان برای تحصیل در مدارس آلمانی. تقاضاهای مذکور قبلاً به وزارت خارجه فرستاده شده است.

وضع وحیدالملک

فن ویزندونگ شرحی از اینجانب صحبت کرده است که ماندن فلانی در برلن معلوم نیست طولانی باشد. آقای نواب هم با ایشان از تلگراف نظام السلطنه صحبت کرده و از ایشان خواهش کرده است که جواب تلگرافی

برای آقای نظام‌السلطنه حاضر کند و جواب این تلگراف را برای وزارت خارجه آلمان بفرستند.

نگارنده اظهار داشتم چون این اقدام آقای نواب فایده زیادی نخواهد داشت و مشکل [است] رأی آلمانها را تغییر دهد چندان فایده در فرستادن سوادنامه نظام‌السلطنه نمی‌بینم. ولی اگر می‌خواهند علی‌الرأس خودشان اقدامی کنند که جوابی برای تلگراف نظام‌السلطنه داشته باشند مختارند.

نامه فن ویزندونگ

دوشنبه ۵ دسامبر - امروز باز خبر فتح جدیدی از طرف رومانی می‌رسد. این دو روزه آلمانها متجاوز از دوازده [هزار] اسیر گرفته‌اند و مسافت زیادی پیشرفت کرده‌اند. در انگلیس هم گفتگوی تغییر کابینه و بحران است. بعد از ظهر نامه آقای طباطبایی را که جوف پاکت علی‌بیک گذاشته بودم به ادهم‌بیک دادم برای استانبول بفرستند. بعد از ظهر ناهار را با آقای علوی صرف کردم. نامه‌ای از فن ویزندونگ در جواب نامه سه روز قبل اینجانب رسید که تلگراف آقای نظام‌السلطنه را برای کرمانشاه مخابره کرده‌اند. شام را با آقای علوی در منزل آقای نوری صرف [کردم] و تا ساعت دوازده با آقایان بودم.

فتح رومانی

چهارشنبه ۶ دسامبر - تا اوایل شب در منزل بودم. ساعت نه بعد از ظهر که از منزل بیرون رفتم معلوم شد بخارست را آلمانها تصرف کرده‌اند. به محض رسیدن این خبر اغلب خانه‌ها پرچم افراخته‌اند و به حکم امپراتور کلیساهای به نواختن زنگ پرداخته، توپ هم شلیک شده. فی‌الحقیقه این خبر برای آلمانها قابل جشن هم هست. هنوز چهار ماه تمام نشده که

رومانی وارد جنگ شده و امروز پایتخت آن را که یکی از آبادترین شهرهای این قسمت اروپا است اشغال شده و هیچ موانع طبیعی جلوگیری از پیشرفت آلمانها نکرده؛ کوههای صعب‌العبور، رودخانه‌های وسیع پر از آب، دره‌های عمیق را در عقب گذاشته در این مدت قلیل پایتخت دشمن را ضبط و اشغال کرده‌اند. این فتح نه تنها بر نیروی مادی متحدین می‌افزاید بلکه نیروی معنوی آنها را هم تقویت می‌کند. اولاً متفقین قدری مأیوس می‌شوند و دیگر دول کوچک بی‌طرف سر جای خودشان می‌نشینند و جرئت ملحق شدن به متفقین را نخواهند داشت. پس از دو سال و نیم جنگ ابراز چنین نیرویی از طرف آلمانها قابل تقدیر است.

نتایج فتح رومانی

پنجشنبه ۷ دسامبر - امروز برلن در حال جشن است. مدارس تعطیل، خانه‌ها و مغازه‌ها و عمارات پرچم زده، قهوه‌خانه‌ها و تماشاخانه‌ها همگی پر از مردم در حال وجد و سرور. در حقیقت بی‌حق هم نیستند. اشغال بخارست در این موقع برای متحدین اهمیت زیادی دارد. اهمیت مادی و نظامی و اخلاقی؛ مادی برای اینکه این قسمت رومانی بسیار متمکن است، غله فراوان انبار شده دو ساله موجود محصول طبیعی فوق‌العاده هم برای کمک معاش ممالک متحدین به خصوص آلمان. وانگهی معادن نفت زیادی هم که مورد احتیاج شدید متحدین بوده به دستشان افتاده دیگر برای نفت و بنزین و هرگونه مواد نفتی معطل نخواهند بود. اهمیت نظامی این فتوحات واضح است؛ شکستن قوای رومانی و کوچک کردن فرونت جنگ و رسیدن به جناح یسار روس، تصرف دانوب و رودخانه‌های فرعی آن، اشغال بخارست و خطوط آهن رومانی و بالاخره پیچاندن جناح قوای روس در کارپات و گالیسی هر کدام

اهمیت زیادی دارد که تاریخ آتی جنگ نشان خواهد داد. اهمیت اخلاقی این فتح نیز زیاد است. برای اینکه متفقین انتشار می‌دادند که قوه آلمانها به قسمی تحلیل رفته که دیگر نمی‌تواند به هیچ‌گونه حمله مبادرت نماید و باید به حالت مدافعه بماند تا به کلی تسلیم قوای متفقین بشود. ابراز چنین قوه‌ای در احراز چنین فتوحاتی و اشغال پایتخت و قسمت مهمی از دشمن تازه نفس، بدیهی است دوست و دشمن را متحیر می‌نماید.

وضع برلین

جمعه ۸ دسامبر - هنوز وضع برلن به حال عادی برنگشته، پرچمها هنوز در اهتزاز است، از قرار راپورتی که رسیده اسکویث صدراعظم انگلیس استعفا داده، لوید ژرژ که سابقاً وزیر جنگ بوده به ریاست وزرای منصوب و مشغول تشکیل کابینه شده است. اشغال بخارست اثر بسیار مهمی در لندن و پاریس داشته است. انگلیسها اهمیت زیادی بدین موضوع می‌دهند که در نتیجه فتح بخارست و دسترسی آلمان به غله و نفت تا مدتی محاصره دریایی و نتیجه آن به تعویق خواهد افتاد.

نطق رئیس الوزرای روسیه

اخیراً رئیس الوزراء روسیه نطق غریبی کرده و به طور وضوح پرده از روی خیالات خودشان و نقشه متفقین راجع به داردانل و استانبول برداشته، می‌گوید روسها که مدت‌ها است آرزوی رسیدن به دریای باز را داشته و بهترین طریق اشغال تنگه‌های داردانل و بسفر و استانبول و احاطه به دریای مدیترانه است اینک موفق شده سال گذشته با انگلیس و فرانسه و ایتالیا قراردادی مبادله نمایند بدین ترتیب که داردانل و بسفور و استانبول به دولت روس واگذار شود. حالا باید ملت روس بدانند که از برای چه هدفی می‌جنگند. باید با یک جدیت و رشادت و مردانگی دشمن را

میخکوب کرده و به مقصود مقدس خود نایل شویم. اگرچه دشمن هنوز قوی است و ممکن است ضربتها به ما بزند ولی فتح و فیروزی بالاخره نصیب ما خواهد بود و دشمن را کاملاً مغلوب خواهیم کرد.

مراسله نواب به وزارت خارجه

شنبه ۹ دسامبر - مقارن ظهر آقای نواب تلفن کرد که از استانبول نامه‌ای رسیده و نامه‌ای هم خود ایشان به وزارت خارجه نوشته [اند] می‌خواهند به نظر نگارنده برسانند. ظهر نهار را با آقای نوری در منزل صرف [کردم] و پس از نهار به سفارت رفتم و تا ساعت شش آنجا بودم. مضمون مراسله آقای نواب به وزارت خارجه آلمان از این قرار بود:

در طی هفته گذشته تلگرافی از آقای نظام السلطنه از کرمانشاه واصل و معلوم می‌شود که موسیو نادولنی در آنجا اقدامات علیه آقای وحید الملک می‌نماید. چون آقای نظام السلطنه از من خواهش کرده است اگر این اقدام متکی به دولت امپراتوری است در رفع آن جد و جهد نمایم لذا خواهش دارم یک جواب امیدبخش در این موضوع به اینجانب بفرستید تا برای اسکات خاطر آقای نظام السلطنه در جواب تلگراف ایشان بفرستم.

راجع به این نامه نگارنده رأی اظهار نکرده و اگذار به رأی و سلیقه خود ایشان نمودم.

نامه طباطبایی از استانبول و مراجعت من

نامه آقای طباطبایی بسیار مفصل است. می‌گویند در موضوع خواهش آقای نظام السلطنه از ایشان که از سفارت آلمان در استانبول راجع به تقاضاهای اینجانب از دولت آلمان اقدامات نمایند متأسفانه کاری از ایشان ساخته نیست. زیرا ایشان دیگر هیچ ارتباطی با آلمانها ندارند و

مناسب مقام نگارنده هم نمی‌دانند. با علی بیگ همپا مشورت کرده او گفته خوب است نگارنده هرچه زودتر به استانبول مراجعت نماید. ماندن نگارنده دیگر پس از مخالفت دولت آلمان صلاح نیست. خود آقای طباطبایی هم چنین صلاح می‌دانند که اینجانب دیگر در برلن نمانم و به استانبول مراجعت نمایم.

جمعیت امروزی ترک

مطلب مهم دیگری که ایشان نوشته‌اند این است که اخیراً در استانبول به اهتمام فرقه سیاسی معروف «اتحاد و ترقی» مجمعی به نام «جمعیت صمیمیت ایران و ترک» تشکیل [شده است] که روابط میان ایران و عثمانیان را بیش از پیش دوستانه و صمیمی نماید. در آخرین جلسه اعضای خود را به [این] ترتیب انتخاب کردند:

هیئت حامیه جمعیت عبارت از صدراعظم عثمانی سعید حلیم پاشا، انور پاشا وزیر جنگ، احتشام السلطنه سفیر کبیر ایران در استانبول. هیئت مجریه جمعیت: طلعت بیگ، نظام السلطنه، حسینقلی خان نواب وزیر مختار ایران در برلن، خلیل بیگ ناظر خارجه، شکری بیگ سکرتر ژنرال اتحاد و ترقی.

مجلس اداره: دکتر ناظم بیگ و پنج نفر دیگر از رؤسای اتحاد و ترقی و آقای طباطبایی و نگارنده و حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و حاج شیخ اسدالله و میرزا کریم خان.

آقای احتشام السلطنه عضویت را قبول کردند و از ایشان خواهش شده که به آقای نواب هم نوشته و توصیه کنند که این عضویت را قبول نمایند. احتشام السلطنه شرحی به آقای نواب در این موضوع نوشته و از ایشان استمراج کرده‌اند. نیز راجع به عضویت نگارنده هم به ایشان نوشته‌اند و خواهش کرده [اند] که با نگارنده در این خصوص مذاکره کنند. عثمانیها برای ایران سفیر کبیر جدید خواهند فرستاد ولی هنوز نام او معلوم نیست.

نطق وحیدالملک

ساعت هفت به رستوران لمینسکی به مهمانی شام رفتم. تقریباً تمام آقایان ملیون ایران در این شام حضور داشتند. شام خوبی بود. پس از صرف شام نگارنده شرحی در زمینه یگانگی و وحدت نطق کردم که امروز سزاوار است ایرانیان دست به دست همدیگر داده، از برای یک هدف که آن هم حفظ استقلال ایران است کار بکنند و نگذارند در مراکز مهمی مانند استانبول و کرمانشاه سوء تفاهمات به میان آید. امروزه در کرمانشاهان مخالفت میان ملیون بسیار زیاد است و مخصوصاً جمعی با حکومت موقتی ضدیت می کنند. بعضی آن را به تحریک ایرانیان برلن یعنی آقایان حاضر می دانند و اگر آقایان حاضر بخواهند این مخالفت برطرف شود خوب است عملاً ثابت کنند که با حکومت موقتی موافقت دارند. مثلاً در مطبوعات، در محافل رسمی، در مراسلات خصوصی این عقیده را صراحتاً اظهار و تأکید نمایند. در این صورت مخالفت و سوءظن رفع می شود، ولی اگر بدین نحو مداومت کنند نتیجه معکوس خواهد داد و روز به روز بر مخالفت افزوده خواهد گردید و مسئولیت عمده متوجه آقایان خواهد بود. یکی دو نفر از آقایان در تأیید اظهارات اینجانب نطق مختصری ایراد [کردند] و آنها هم در زمینه وحدت تأکید به جا آوردند. پس از قدری مذاکرات قرار شد آقایان کلاً به طریق جدید در رفع اختلافات و سوء تفاهمات بکوشند.

سیاست تازه انگلیس

لوید ژرژ موفق به تشکیل کابینه انگلیس شد. سرادوارد گری از وزارت خارجه مستعفی [شده] و جای او را بالفور می گیرد و از این رو معلوم می شود خط سیاست انگلیس کمی تغییر کرده است. سرادوارد گری بانی و مقوی سیاست متفقین بود و تقریباً این جنگ جهانی را او برپا کرد و امروز از صحنه سیاست خارج می شود. خارج شدن او خالی از اهمیت

نمی باشد. از قرار معلوم حزب لیبرال انگلیس به لوید ژرژ کمک نکرده و در مخالفت او باقی خواهند بود. از این رو کابینه جدید انگلیس دارای استحکام زیادی نمی باشد. روزنامه جات فرانسوی پیوسته اظهار امیدواری می کنند که در آتیۀ نزدیکی از پیشرفت آلمانها در رومانی جلوگیری خواهد شد. از یونانیها به خصوص از پادشاه یونان اظهار عدم رضایت می کنند.

جنگ در یونان

یکشنبه ۱۰ و دوشنبه ۱۱ دسامبر - این دو روزه روزنامه جات انگلیسی از اخبار بحران کابینه و کشمکش داخلی و روزنامه جات فرانسوی از اخبار یونان و جنگ در آتنه میان عساکر متفقین و قوای یونان گفتگو می کنند و روزنامه جات آلمانی محتوی فتوحات اخیر متحدین در رومانی می باشند. دوشنبه بعد از شام به سفارت رفتم. آقای نواب می گفت دیروز که یکشنبه بود فن ویزندونگ و خانمش به سفارت ایران آمده شرحی هم از تقاضاهای نگارنده صحبت در میان بوده. آقای نواب در این موضوع شرحی با او صحبت نموده که خوب است وزارت خارجه آلمان قدری توجه داشته باشد که اسباب رنجش ملیون را فراهم ننماید. نامه آقای احتشام السلطنه را که به آقای نواب نوشته بود برای نگارنده خواندند. در این نامه ایشان اظهار یأس کرده است که آلمانها مشکل تضمینات صریحی به نفع ایران بنمایند و می نویسند که هرگاه این تضمینات داده نمی شود ماندن آقای وحیدالملک در آلمان بی فایده بوده و بهتر است به استانبول مراجعت کنند.

حضور در رایشتاگ

سه شنبه ۱۲ دسامبر - صبح زود آقای قاضی تلفن کرد که دو کارت یکی به اسم اینجانب و یکی به اسم ایشان برای جلسه امروز رایشتاگ (مجلس

شورای ملی آلمان) گرفته و بایستی پیش از ظهر به آنجا برویم، چون جلسه فوق‌العاده و مهمی [است] قطعاً جمعیت زیادی برای تماشا خواهند آمد. قبل از ساعت یازده به معیت آقای قاضی گردش‌کنان از وسط تیرگارتن به عمارت پارلمان رفتیم. جمعیت زیادی دور مجلس ازدحام کرده بودند. ساعت دوازده و ربع در باز شد. بلیط ما برای لژ دیپلماتها بود، جای خود را در این لژ گرفتیم. تالار بسیار عالی است مزین و مرتب و چوب‌کاریهای خیلی خوب دارد. ترتیب نشستن مجلس ما در تهران خالی از شباهت به رایشتاگ نیست. جای تماشاچی هم در این تالار فراوان و خیلی زیاد است. همین امروز شاید متجاوز از هزار نفر تماشاچی در اینجا جمع شده‌اند. لژ سفرا [مشرف] بر بر کرسی ریاست است، کرسی ریاست بر سکویی قرار گرفته که در تمام طول تالار واقع شده و محل جلوس اعضای سنا، وزرا و رؤسای ادارات است. جمعیت و ازدحام زیادی در روی این سکوی طولانی دیده می‌شد و تماماً پشت سر هم ایستاده بودند. در پایین در محیط تالار غیر از وکلای مجلس کسی دیگر حق نشستن یا ایستادن را ندارد. فقط در زیر کرسی نطق محوطه کوچکی است که روزنامه‌نویسها یادداشت برمی‌دارند.

نطق رئیس‌الوزرا و صلح

یک ربع به دو بعد از ظهر رئیس مجلس که پیرمرد ریش بلند ضعیفی بود بر کرسی ریاست جلوس کرد و با نواختن زنگ اعلام رسمیت جلسه را نمود. در این حال رئیس‌الوزرا بتمن هلوگ با لباس نظامی برخاسته قریب بیست دقیقه نطق کرد. بسیار ملایم و شمرده ولی مانند یک سردار نظامی حرف می‌زد. خلاصه نطقش این بود: اوضاع نظامی ما هیچوقت به خوبی امروز نبوده، رومانی وقتی اعلام جنگ کرد که حملات بزرگ انگلیس و فرانسه در جبهه هم در جریان بود و امیدوارها داشتند قوای ما را در هم شکسته،

ما را به زانو بیاورند. از همه طرف بر ما حمله می‌کردند، از این حملات هیچ نتیجه نبردند ولی، پس از چند صباحی نیروی دشمن تازه خودمان را در هم شکسته و به سرکردگی و سرپرستی عالیۀ هندنبورگ پایتخت دشمن را اشغال کرده [ایم] و در حالت پیشروی می‌باشیم. مقدار زیادی هم آذوقه و نفت و غیره به دست ما افتاده و اگر سابقاً هم کمبودی در آذوقه ما وجود داشت امروز به واسطه این غنایم کاملاً جبران شده و دیگر دشمن نمی‌تواند از محاصره ما انتفاعی حاصل کند. چون امپراتور از اول هم علیه میل قلبی خودشان داخل این جنگ شدند و همیشه صلح طلبی داشته‌اند امروز در این جلسه از طرف اعلیحضرت امپراتوری اخطار می‌شود که ما حاضر برای داخل شدن در مذاکره صلح هستیم. امروز نمایندگان دول بی‌طرف را دعوت و رسماً از دول بی‌طرفی که منافع آلمان و متحدین را در کشورهای دشمن بر عهده دارند یعنی نمایندگان امریکا و اسپانیا و سوئیس دعوت و از آنها خواهش شد که به طرفهای ما اطلاع دهند که ما حاضریم داخل مذاکرات صلح بشویم و به این خونریزی‌ها خاتمه دهیم.

تحسین و شادی

وسط نطق صدراعظم مکرراً صدای تحسین بلند بود. مخصوصاً وقتی اسم صلح به میان آمد تماشاچیان صدای زنده باد بلند کردند و خانمها اظهار وجد نمودند. صدراعظم نیز اضافه نمود که همین اقدام ما را امروز متحدین ما در وینه و استانبول و صوفیه اجرا می‌دارند، آنها هم این دعوت را از نمایندگان دول بیطرف نموده‌اند. پس از پایان نطق صدراعظم رؤسای پارتی‌ها اجازه دخول در مذاکرات راجع به این موضوع خواستند. رئیس اجازه نداد. جلسه را ختم نمود و این جلسه مهم بیش از سه ربع ساعت طول نکشید.

پس از ختم جلسه از پارلمان خارج شده با قاضی ناهار صرف [شد] و چون در جلسه‌ای به اتفاق عده‌ای از ملیون به چای دعوت داشتم از ایشان خداحافظی کرده به نقطه موعود رفتم. میرزا سلیمان خان هم دعوت داشت.

شرکت ادبی - آلمانها و میکده

پس از صرف چای یکی از سران ملیون اظهار داشت که می‌خواهیم یک شرکت ادبی تأسیس کنیم که با کمک شرکا کتب ادبی امروزه را به طبع رسانده و با قیمت نازل در دسترس خوانندگان بگذاریم. از اینجانب هم خواهش شد در کمیسیونی برای تنظیم آیین‌نامه نشر کتب شرکت کنم. ولی چون معلوم نیست که توقف اینجانب در برلن چقدر طول بکشد لذا معذرت خواسته اظهار داشتم آقایانی که در اینجا ساکن هستند به خوبی می‌توانند اوقات خود را صرف این موضوع کرده کتب مفید ادبی را منتشر نمایند. تا ساعت هفت این جلسه طول کشید. بعد نگارنده و آقای علوی به اتفاق آنجا را ترک کرده و شام را با هم صرف [کردیم] و دو ساعتی هم بعد از شام با هم بودیم. از قرار گفته آقای علوی آلمانها با آقای میرزا سلیمان خان روی مساعدت نشان داده [اند] و در نظر دارند او را به فرونت کرمانشاه بفرستند. ولی خود میرزا سلیمان خان چندان رضایت ندارد.

صلح و خاتمه جنگ

چهارشنبه ۱۳ دسامبر - تمام روز را در منزل مشغول مطالعه بودم. برف و باران شدیدی می‌بارید و هوا هم بسیار سرد بود. شام را هم در منزل به اتفاق آقای نوری صرف کردم. از قرار راپورت‌های تلگرافی که رسیده مطبوعات انگلیس از دعوت صلح آلمانها خوشنود نبوده بلکه اظهار عدم رضایت کرده [اند] و این پیشنهاد صلح را دلیل بر ضعف قوای نظامی آلمان

می‌دانند. مطبوعات فرانسوی و ایتالیایی ملایمتر [ند] و مطبوعات دول بی طرف اظهار وجد و سرور کرده [اند] که بالاخره با این اقدام دولت آلمان روزنه روشنی به طرف صلح باز شده است. مردم آلمان رو بهمرفته از این اقدام دولت مسرورند ولی امیدوار به یک خاتمه نزدیک جنگ نیستند. مطبوعات محافظه کار آلمان از اقدام دولت در پیشنهاد صلح اظهار عدم رضایت کرده‌اند و نظامی‌ها و پارتی‌های ذینفع چندان خوشنود نیستند.

نطق هندنبورگ

پنجشنبه ۱۴ دسامبر - اخبار مفصل از اطراف راجع به دعوت صلح دولت آلمان پیوسته می‌رسد. همان طور که گفته شد انگلیس هیچ استقبالی از این پیشنهاد نکرده و می‌گویند همان شرایطی را که پارسال اسکویت در گیلدهال در ضمن نطقی اظهار داشت تا ما نداشته باشیم صلح نخواهیم کرد. یعنی در هم شکستن قوای نظامی آلمان و استرداد بلژیک و غیره. مطبوعات فرانسه روی هم رفته ملایمتر به نظر می‌آید. امروز هندنبورگ سردار کل قشون آلمان مصاحبه‌ای با یکی از مخبرین جراید آمریکا کرد. شرحی در استحکام مقام نظامی آلمان و متحدین ذکر نمود و می‌رساند که متفقین نباید دیگر منتظر مظفریتی در آتیه باشند. از نیروی عثمانی و شجاعت ترکان نیز تمجید می‌کند.

راپرت به تهران

بعد از شام به سفارت رفتم و تا نصف شب با آقای نواب صحبت می‌کردم. از این پیشنهاد دولت آلمان مختصر راپرت برای تهران فرستاده‌اند بدین مضمون که وزارت خارجه آلمان روز سیزدهم دسامبر مطابق شانزدهم صفر دعوتی از نمایندگان دول بی طرف کرده، یادداشتی بدانها تسلیم [کرد] که دولت آلمان و متحدین اگرچه مظفریت تام و تمام داشته‌اند برای

جلوگیری از خونریزی حاضر به مذاکره صلح می‌باشند و از دول آمریکا و اسپانیا و سوئیس خواهش می‌کنند به طرف خودشان این تمایل را خاطر نشان کرده آنها را به دخول در مذاکره صلح دعوت نمایند. روز پیش آقای نواب و خانمش منزل فن ویزندونک^۱ چای صرف کرده ولی خود فن ویزندونگ نبوده است.

پیشروی فرانسه

جمعه ۱۵ دسامبر - امروز بعد از ظهر از منزل خارج شده و عصر برای چای مراجعت کردم. هوا سخت گرفته و برف و باران می‌بارید. هوا هم کاملاً سرد است. چند روز است که از هیچ جا خبر بخصوصی ندارم. از قرار اخبار رسیده متفقین خیال دخول به مذاکرات صلح ندارند. پیشرفت متحدین در رومانی ادامه دارد. امروز فرانسویان در جبهه فرانسه پیشرفت کرده و قریب هفت هزار اسیر از آلمانها گرفته‌اند.

رسیدن نصیرالسلطنه

شنبه ۱۶ دسامبر - ساعت یازده آقای نواب به اینجا آمده و با ایشان قدری گردش کردیم. پس از عملی که کرده‌اند حال ایشان خیلی بهتر است. دعوت کردند امشب شام را در سفارت بخورم. جمعی از ایرانیان هم در آنجا خواهند بود. بعد از ظهر آقای نصیرالسلطنه صاحب‌منصب ژاندارم به دیدن اینجانب آمد. دیروز از وینه آمده است و از قراری که خودش می‌گفت مخصوصاً به برلن آمده است ببنید نتیجه مذاکرات نگارنده چه شده است تا به کرمانشاه خبر ببرد. دو سه روز بیشتر در برلن توقف نخواهد کرد. شب را در سفارت بودم. آقایان میرزا سلیمان خان و میرزا محمدخان قزوینی و جمعی دیگر هم به شام دعوت داشتند. صحبت‌های متفرقه در میان بود. این دو روزه متفقین اتمام حجتی به یونان داده و

درخواست خلع سلاح قشون یونان را کرده‌اند. از قرار معلوم پادشاه یونان تسلیم شده قشون یونان را خلع سلاح خواهد کرد.

تلگراف وثوق‌الدوله

یکشنبه ۱۷ دوشنبه ۱۸ و سه‌شنبه ۱۹ [دسامبر] - قشون متحدین از دوئرتزا در حال پیشرفت است. روزنامه‌ها و سپاهیون متفقین مشغول مذاکره در اطراف پیشنهاد مذاکره و صلح آلمان می‌باشند. ولی به طور کلی می‌شود گفت که عجالتاً دعوت آلمان را رد خواهند کرد. تلگراف مفصل رمزی از تهران برای آقای نواب رسیده و چون رمز اشتباه شده بود درست استخراج نشده. آقای وثوق‌الدوله در جواب تلگرافی که آقای نواب چندی قبل راجع به اخطار اخیر آلمانها کرده بود می‌گوید که دولتین روس و انگلیس به دولت تهران فشار آورده‌اند که نامه سپهدار را دولت امروزی قبول نماید. نامه‌ای به آقای طباطبایی نوشته و عده ملاقات نزدیک خودم را با ایشان دادم. مختصر نامه‌ای هم به علی‌بیک نوشته به توسط سفارت عثمانی در برلن فرستادم.

نامه وزارت خارجه آلمان

نامه‌ای از وزارت خارجه آلمان به امضای زیمرمن وزیر امور خارجه آلمان [رسید] تقریباً بدین مضمون است:

نماینده این دولت در کرمانشاه با آقای نظام‌السلطنه مشغول مذاکره می‌باشد و تا حدی که ممکن است و در قوه ما باشد کوتاهی در حفظ استقلال و تمامیت ایران نخواهیم نمود. استقلال و تمامیت ایران همیشه برای دولت آلمان مفید و در درجه اول اهمیت بوده و علت ندارد که دولت آلمان از این موضوع صرف‌نظر نماید. ولی خوب تا آنجایی که به اساس موقعیت دولت آلمان و حکومت موقتی برخوردار نکند باید در این قرارداد رضایت خاطر ایرانیان برآورده شود.

نظر نواب

چهارشنبه ۲۰ دسامبر - صبح با آقای نواب مدتی مشغول مذاکره بودیم در خصوص روابط خودم با آلمانها. رأی ایشان بر این است که باید با حضرات صحبت کرد و به یک طریق خوشی از هم جدا بشویم. بدیهی است رأی خودم هم همین است که موضوع شخصی نباید در میان باشد. اگر مشاجره‌ای بود مشاجره سیاسی است نه شخصی. نگارنده با احدی نظری ندارم و عداوتی هم از کسی ندارم. تنها برای ایران و برای اطمینان خاطر ملیون تقاضای تضمینات استقلال و تمامیت ارضی ایران را از دولت آلمان نموده و از وعده‌های غیرمصرح و مبهم قانع نگردیده، تضمینات صریح خواسته‌ام.

رد پیشنهاد صلح

دیروز رئیس‌الوزرای انگلیس در مجلس ملی آن دولت نطقی ایراد کرده دعوت مذاکره صلح آلمان را جداً رد نموده و می‌گوید همان شرایط سابق که برای مذاکره صلح نموده تغییرناپذیر است و دولت انگلیس داخل هیچ‌گونه مذاکرات دیگر نخواهد شد.

مدارا با آلمانها

پنجشنبه ۲۱ دسامبر - صبح یکی از سران ملیون به ملاقات اینجانب آمد و مدتی راجع به وضع خودمان صحبت می‌کردیم. نتیجه مذاکرات ایشان این بود که آلمانها نظر خصوصی و مخالفتی با نگارنده ندارند ولی به هر صورت باید با آنها مدارا کرد تا تکلیف و نتیجه مذاکرات کرمانشاه معلوم شود.

نظریات میکده

بعد از ظهر آقای میرزا سلیمان‌خان تلفن کرد. قرار گذاشتیم بعد از شام همدیگر را ملاقات کنیم. مفصل با ایشان صحبت شد. شرحی از پیشنهاد

خودش با آلمانها مذاکره کرد. خلاصه آنکه آلمانها بایستی توجه بخصوصی به جنوب و مرکز ایران داشته، عملیات آنجا را توسعه [دهند] و تصویب کنند. دیگر آنکه افسران سوئدی را که اینجا هستند به زودی به ایران بفرستند و کارهای حکومت موقتی را هم توسعه دهند. سه روز پیش ایشان ملاقاتی از فن ویزندونگ و یکی دیگر از رؤسای وزارت خارجه آلمان کرده، در ضمن مذاکرات گفته بودند تقاضای ایشان مورد قبول واقع شده فقط از قرار معلوم وحیدالملک چندان رضایت ندارد، ولی در موقع خودش تقاضای ایشان هم پذیرفته خواهد شد. میرزا سلیمان‌خان تا ده دوازده روز دیگر به استانبول مراجعت خواهد کرد که از آنجا به کرمانشاه برود. این طور که استنباط کردم ایشان خیلی میل دارند که شرح مبسوطی به عثمانی نوشته شود تا تولید سوءظنی برای آنها راجع به ایشان نشود و گویا تلفن و ملاقات امروز هم به همین جهت بود.

نصیرالسلطنه

جمعه ۲۲ دسامبر - بعد از ظهر آقای نصیرالسلطنه را ملاقات کردم. امشب به وینه می‌رود که فردا شب به استانبول رفته و از آنجا مستقیماً به کرمانشاه برود. از قرار گفته ایشان ادوال و سایر افسران سوئدی که در آلمان هستند شنبه دیگر به طرف ایران حرکت می‌کنند. اخیراً آلمانها میان رأس‌العین و سامره سرویس اتومبیلرانی دایر کرده [اند] و مسافرت این قسمت به چهار روز تقلیل یافته است. امروز باز موضوع صلح مطرح مذاکره روزنامه‌جات است. رئیس‌جمهور آمریکا خطابه‌ای به تمام دول داخل جنگ نوشته و از آنها خواهش می‌کند که اگر ممکن است دست از جنگ کشیده به مذاکره جدی صلح پردازند.

مقاله افسران سوئدی

شنبه ۲۳ دسامبر - امروز هوا سرد [است] و برف شدیدی می‌بارد.

بعد از ظهر آقای علوی آمده نامه از آقای احتشام السلطنه برای او رسیده که خواندند. آقای احتشام السلطنه از آمدن به برلن عذر خواسته اند. نامه ای آقای علوی به عنوان آقای طباطبایی نوشته [است] که توسط اینجانب به استانبول فرستاد. بعد از شام به مطالعه ترجمه آلمانی کتاب معروف نویسنده انگلیسی اسکار وایلد به نام تصویر دوریان گری مشغول شدم و ساعاتی را بدین وسیله گذراندم. امروز مقاله ای در روزنامه شرق نزدیک آلمانی به امضای افسران سوئدی که سابقاً در خدمت ایران بودند خواندم. از خودشان در مقابل تنقیدات نیشتروم که علیه آنها و ملیون ایرانی شرحی در روزنامه سوئدی نوشته است دفاع کرده، وقایع پارسال تهران و اقدامات ملیون ایران و ژاندارمری را در این مقاله ذکر می کنند.

نوئل

یکشنبه ۲۴ دسامبر - امروز شب عید بزرگ مسیحیان و مخصوصاً آلمانها است. فردا بزرگترین عیدی است که آلمانها دارند. در هر خانه درختی به نام درخت عید مسیح از شاخه کاج با زرورق و شمع و زینتهای دیگر آراسته کرده، شب آن را روشن می کنند و بچه ها به دور آن جمع شده از پدر این عید که پیرمرد ریش سفیدی است هدایا به شکل عیدی دریافت می دارند. تقریباً تمام خانه های بزرگ و کوچک که بچه دارند یا بدون بچه [اند] چنین درختی را به فراخور تمکن خودشان تزئین می دهند و در حقیقت وجود آن را به فال میمون می دانند. گویا این عادت از قدیم آلمان است که هنوز مسیحی نبوده و این درخت عادتاً از مذهب مسیح نیست. عصر چای را در سفارت صرف کردم. به دعوت آقای نواب بعد از شام به سفارت خواهیم رفت که با ایشان و خانمشان نصف شب به کلیسای کاتولیک رفته نماز این عید را تماشا کنیم. خانم ایشان از کاتولیکهای ایرلندی است و خیلی هم در دین خودش مقدس است. ازدحام غریبی در کلیسا بود، به طوری که نتوانستیم تا آخر نماز در کلیسا بمانیم.

دوشنبه ۲۵ دسامبر - امروز روز عید مسیح است و همه جا بسته. روزنامه ها هم امروز و فردا تعطیل بوده و منتشر نمی شود. پارسال را همین روز در اصفهان بودیم و تدارک مسافرت به کرمانشاه را می دیدیم.

قاضی کردستانی

ساعت چهار بعد از ظهر با آقای نوری به منزل آقای قاضی رفته چای و شام را در آنجا صرف کردیم. آقای قاضی از اهالی کردستان است و پنج شش سال قبل با معلم معروف آلمانی پرفسور مان به اینجا آمده و در اینجا متأهل شده است. نایب افتخاری سفارت ایران هم هست. خانمی دارد آلمانی اگرچه وجیه و جوان نیست ولی نقاش خوبی است و گویا ثروتی هم از خودش دارد. آپارتمان خوبی دارد و وضعشان از همه جهت به نظر راحت می آید. از قرار معلوم آقای نواب چندان از رفتار قاضی خوشنود نیست و بدین جهت هم هست که قاضی اصولاً به سفارت نمی رود. فقط اسم نیابت افتخاری روی او است.

محمدعلی میرزا

سه شنبه ۲۶ دسامبر - پیش از ظهر آقایان نواب و اعظم السلطنه به دیدن نگارنده آمدند و قرب یک ساعت نشستند. اعظم السلطنه شرحی از یک هفته توقف خودش در ادسا و زندگی محمدعلی میرزا بیان نمود. محمدعلی میرزا [که] او را نپذیرفته بود یک قصری در ادسا خریده است و یکی دیگر در خارج شهر، یک عده هم هنوز از مستخدمین ایرانی خودش دارد. یک سرهنگ با یک عده سوار مواظب خدمت او هستند. گاهی از اوقات با یک عده سوار با جلال حرکت می کند.

رئوس وقایع گذشته

آقای نواب شرحی از مذاکرات با او پس از تحصن او به سفارت روس در

زرگنده و پس گرفتن جواهرات دولتی از او ذکر کردند. این مذاکرات ایام گذشته خودمان و مخصوصاً زمان هیئت مدیره را خود به نظر می آورد. مانند خوابی است گذشته: ایام هیئت مدیره، زدو خورد پارتیها پس از انحلال مجلس، آمدن شوستر به ایران و استقراض لیره لندن، مراجعت محمدعلی میرزا به قمیش تپه، اولتیماتوم روس و وقایع محرم تاریخی در تبریز، انقلابات سال گذشته در تهران، تأسیس کمیته در قم و بالاخره عقب نشینی تا بغداد. هر یک داستانی است که تنها مورخین در آتیه ایران آنها^۱ را به خود مشغول خواهد داشت. هر یک از این وقایع جریان^۲ مهیج غم افزونی را در زندگانی کوتاه سیاسی ما تشکیل می دهد و امروز وضع طوری است که باید گفت شب ایران آبستن است تا چه زاید سحر.

نفوذ و نقشه انگلیس

بیشتر جراید انگلیسی و فرانسوی بخصوص روزنامه های تایمز و تایم و فیگارو سخت به آلمان حمله کرده می نویسند این دشمن حيله گر ما ضعیف و ناتوان شده و تا پشت او را به خاک نیاوریم و شرایط صلح خود را به او تحمیل نکنیم شمشیر را در غلاف نخواهیم گذارد. از قرار معلوم انگلیسها جزئی پیشرفتی در طرف کورت العماره کرده [اند] و حالا خیلی نزدیک کورت هستند. روزنامه تایمز یک مقاله اساسی راجع به علمیات انگلیس در بین النهرین دارد. در این مقاله می گوید امروز حالت قشون انگلیس خیلی بهتر شده، سهولت حمل و نقل برای آنها به واسطه دو خط آهن که از بصره به فرونت کشیده شده بهتر گردیده. آذوقه و مهمات زیادی هم جمع آوری شده و امیدوار است به زودی جبران خسارات سال گذشته بشود. ولی تنها وقتی نفوذ انگلیس در شرق وسطی به جای خود

۱. اصل: زبان (؟)

۲. اصل ناخواناست، این کلمه مناسب بوده گذاشته شد.

عودت خواهد کرد که در تمام فروتنهای عمده قشون آلمان شکست خورده دشمن تسلیم شود. امروز هم تعطیل عمومی است. عده زیادی مردم در خیابانها و تماشاخانه ها دیده می شوند. رستورانها و کافه ها مملو از جمعیت است. هوا هم چندان بد نیست گاهی می بارد ولی چندان سرد نیست. تا نصف شب بیرون بوده و به منزل مراجعت کردم.

وضع فروتنها

چهارشنبه ۲۷ دسامبر - تقریباً تمام روز را در خانه صرف خواندن و نوشتن کردم. هوا هم بسیار گرفته است. از قرار معلوم جنگ به این زودیه خاتمه پیدا نخواهد کرد. طبق اخباری که می رسد متفقین حاضر برای مذاکره صلح نیستند. آلمانها باز فتح بزرگی در رومانی کرده اند. در فرونت روسیه هم فتحی نصیب آلمانها شده [است] و تلفاتی سنگین به روسها وارد آورده اند و از قرار خبری رسیده متجاوز از ده هزار اسیر گرفته شده. در فرونت فرانسه عجالتاً جنگ سختی در میان نیست.

تلگراف وثوق الدوله

پنجشنبه ۲۸ دسامبر - روز را در منزل متوقف [بودم] و بعد از شام به سفارت رفتم. مدتی با آقای نواب مشغول صحبت بودم. سواد نامه ای را که به آقای احتشام السلطنه راجع به نگارنده نوشته بود به اینجانب داد. سواد نامه زیم من را هم که به نگارنده نوشته است برای احتشام السلطنه فرستاده است. تلگراف رمز مفصلی امروز از آقای وثوق الدوله رسیده و کشف کرده بودند. ایشان در این تلگراف متذکر شده که دولتین سخت گرفته تصویب نامه سپهسالار را که به آنها نوشته، از دولت حاضر می خواهند و چون دولت حاضر نبود، تصدیق آن را نکرده تزییقات وارد می آورند. ولی دولت در گفتگو است بلکه تغییری در آن نامه بدهند. دیگر اینکه دولت آلمان از دولت ایران بی طرفی متمایل و یا داخل شدن در

جنگ را خواستگار است. دولت ایران چطور می تواند با وضع حاضر خود وسایل آن را فراهم کند. از آقای نواب خواهش شده با آلمانها جداً مذاکره کرده از آنها استفسار نماید که تا چه حد می توانند به دولت ایران کمک کنند. آقای نواب مصمم است زیمرن را ملاقات کرده بعد جواب تلگراف تهران را بدهد. ولی متفکر است به چه ترتیب داخل این مذاکرات بشود.

جواب وثوق الدوله

جمعه ۲۹ دسامبر - امروز حالم چندان خوش نیست. تمام روز را در منزل ماندم. باران سیل آسا می بارید. بعد از شام با وجود قدری کسالت به سفارت رفتم. آقای نواب تلفن کرده تا وزیر خارجه آلمان را ملاقات کند. گفته بودند برای چند روزی خارج شهر رفته است. باز شرح مفصلی با آقای نواب از تاریخ اخیر خودمان صحبت کردیم. آقای نواب اظهار کرد که از اول چندان امیدوار نبوده [است] که این کار به نحو مطلوب انجام شود و برای ایران فایده اساسی داشته باشد. باز از نگارنده استمزاج می کرد که جواب وثوق الدوله را چه بدهد، آب پاک از این طرف روی دست آنها بریزد یا خیر؟ نگارنده اظهار عقیده نکردم، چون فکر خودم هم به جایی نمی رسید.

وضع جنگ

شنبه ۳۰ دسامبر - امروز هم به واسطه کسالت در منزل ماندم. آقای علوی و نوری برای چای بعد از ظهر آمدند. از میرزا سلیمان خان شنیده بودند که آقای محتشم السلطنه داخل کابینه شده است. طبق خبری که از فرونت رومانی و روسیه رسیده پیشرفتی باز این دو روزه نصیب آلمانها شده، عده معتابهی اسیر و مقدار زیادی غنیمت به دست آورده اند. روسها از قرار معلوم مختصر اراضی در بعضی از قسمتهای فرونت تخلیه می کنند تا وسایل رساندن مهمات برای آنها آسانتر گردد.

اعلامیه امپراتور

یکشنبه ۳۱ دسامبر - امروز به مناسبت روزهای آخر سال ۱۹۱۶ امپراتوری آلمان اعلامیه ذیل را خطاب به نیروی بری و بحری آلمان صادر نموده است:

باز یک سال از جنگ را با محاربات سخت و فداکاریهای بسیار و فتوحات بالنسبه بزرگ در عقب می گذاریم. امیدواری دشمنان ما از سال ۱۹۱۶ بر باد و تمام حملات آنها در مشرق و مغرب در مقابل شجاعت و شهامت شماها بی ثمر مانده. فتوحات پی در پی اخیر ما در رومانی یادگار فناپذیری را بر روی پرچم شماها نقش کرده. بزرگترین واقعه بحری این جنگ فتح بحری «اسکاگراک» و عملیات شهامت آمیز تحت البحری، نیروی بحری ما را نامی و شهامت شما را برای ابد تضمین نموده. پیشرفت شماها را در تمام میدانهای جنگ بری و بحری خواهانم. با امیدواری و اطمینان کامل میهن از شماها قدردان است. غیرت جنگجویانه خلل ناپذیر شماها، عزم ثابت تزلزل ناپذیر شماها، عشق وافر شماها برای میهن، من را به فتوحات جدید نمایان در سال تازه مطمئن می نماید. از خداوند مسئلت عنایت ربانی دارم.

سی و یکم دسامبر ۱۹۱۶

سال ۱۹۱۷

حسادت عثمانی

دوشنبه اول ژانویه تا جمعه ۵ ژانویه ۱۹۱۷ - به واسطه سرما خوردگی و عارضه تب سخت در این چند روزه بستری بودم. هر روز چند نفر از آقایان ایرانیان به دیدن نگارنده می آمدند. همین روز مقارن ظهر آقای نواب به دیدن نگارنده آمده اظهار داشتند روز قبل طبق دستور تهران ملاقاتی از زیمرن وزیر امور خارجه آلمان کرده، با او مذاکرات مفصل

راجع به ایران نموده‌اند. وزیر امور خارجه به طور وضوح گفته است که ما بیش از آنچه که کرده و می‌کنیم دیگر نمی‌توانیم بکنیم. می‌ترسیم عثمانیها هم برنجند و حسادت آنها برانگیخته شود. ضمناً برای آتیه ایران نیت حسنه اظهار نموده و گفته است ما ایران را دور نخواهیم انداخت.

تلگراف به تهران

با آقای نواب تلگرافی به تهران به مضمون ذیل انشا گردید:

با وزیر امور خارجه آلمان ملاقات نیت حسنه برای آتیه ایران طبق اختطاریه خودشان اظهار نمود ولی پول و مهمات برای ایران نمی‌توانند بفرستند و از عثمانیها هم ملاحظه دارند، بیش از آنچه امروزه به توسط عثمانیها به ایران کمک می‌کنند نمی‌توانند مساعدت نمایند.

متحدین در رومانی

در این چند روزه پیشرفت متحدین در رومانی ادامه دارد. دوبراژا را از دشمن پاک کرده در ملداویا هم پیشرفت دارند. متفقین جواب دعوت صلح آلمان را داده، دست رد بر سینه متحدین زده که تا زمانی که آلمان اراضی از متفقین در تصرف دارد مذاکره صلح غیرممکن است. امپراتور آلمان بیانیه‌ای خطاب به قشون صادر و امر به ادامه جنگ می‌نماید تا اینکه دشمن کاملاً منهزم شود.

بازگشت میکه

شنبه ۶ و یکشنبه ۷ ژانویه - این دو روزه مهاجرین مشغول راه‌انداختن میرزا سلیمان خان بودند. آلمانها نهایت محبت را به او کرده، دو دوربین نظامی و قدری هم وجه نقد به عنوان خرج مسافرت به او داده و اخوی او را هم در مدرسه آلمانی برای تحصیل گذاشته و مخارج کافی برای او

معین کرده‌اند. روز یکشنبه به مناسبت مسافرت آقای میرزاسلیمان خان مجلس ضیافتی به ناهار در سفارت ایران منعقد شده بود که نگارنده هم دعوت داشتم. تقریباً تمام ایرانیان مقیم در برلن مدعو بودند. ساعت هفت بعد از ظهر میرزاسلیمان خان حرکت کرد. سه روز در وینه توقف [می‌کند] و بعد با ترن بالکان به استانبول می‌رود. ماژور ادوال و سایر افسران سوئدی که در اینجا هستند به معیت ایشان به ایران خواهند رفت. آقای نواب و تقریباً تمام ایرانیان اینجا به مشایعت میرزا سلیمان خان به گار راه آهن آمده بودند.

نامه به وثوق الدوله

دوشنبه ۸ و سه‌شنبه ۹ و چهارشنبه ۱۰ و پنجشنبه ۱۱ ژانویه - چند فقره نامه به تهران نوشته [شد]. من جمله نامه‌ای به آقای وثوق الدوله رئیس‌الوزرا راجع به سؤالی که تلگرافاً از آقای نواب در خصوص نتیجه مذاکرات نگارنده با آلمانها خواسته بودند مطلع شوند نوشته، مختصری از مذاکرات خودم با وزارت خارجه آلمان شرح داده و ضمناً از ایشان خواهش کردم در خاتمه دادن به مذاکرات با دولتین روس و انگلیس چندان عجله نشود تا اوضاع قدری روشن‌تر شود. نامه‌های تهران به توسط آقای نواب و سفارت ایران در هلند به وزارت خارجه ایران فرستاده شد.

به طوری که آقای علوی اظهار می‌داشت یکی از سران ملیون که در نزد آلمانها خیلی نفوذ دارد در اتمام کار آقای میرزاسلیمان خان اهتمام وافی داشته و گویا ایشان برای مأموریت مخصوصی به کرمانشاه می‌روند تا خدمات مرجوعه را انجام دهند. از قرار اظهار خلیل خالدبیک دولت عثمانی کار ایران را قطعاً به انورپاشا رجوع کرده و آلمانها هم دیگر مداخله مستقیمی در کار ایران ندارند.